



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# جانشین رسول الله ﷺ

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام: سید مهدی امین

یا نظارت: دکتر محمد بیستونی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جانشین رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ وآلہ و اهل بیت نبوت از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت از دیدگاه قرآن و حدیث
۹	مشخصات کتاب
۹	فهرست مطالب
۱۲	تقدیم به
۱۳	متن تأییدیه حضرت آیه الله محمد یزدی
۱۳	متن تأییدیه حضرت آیه الله مرتضی مقتدایی
۱۴	متن تأییدیه حضرت آیه الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس
۱۴	مقدمه ناشر
۱۵	مقدمه مؤلف
۱۷	فصل اول: اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله (ذوی القربی)
۱۷	اهل بیت کیست؟
۱۸	مفهوم تطهیر و معصوم بودن اهل بیت
۱۹	روایاتی در شناخت اهل بیت
۲۰	حدیث ثقلین
۲۰	تحلیلی از ذی القربی
۲۱	ذی القربی در نقش مراجع علمی مردم
۲۲	صلوات بر محمد و آل محمد!
۲۲	نحوه صلوات فرستادن
۲۳	معنا و ضرورت صلوات
۲۴	بحثی در معنی کوثر
۲۵	ابرا و وصف آن‌ها در قرآن
۲۶	فصل دوم: ولایت و جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله

- ولایت و جانشینی پیغمبر اسلام از نظر قرآن ..... ۲۶
- فریضه ولایت ..... ۲۷
- زمان ابلاغ ولایت ..... ۲۷
- دلیل تأخیر ابلاغ فریضه ولایت ..... ۲۸
- انتخاب جانشین: استحکام شالوده دین ..... ۲۸
- اخلال در جانشینی و ولایت: زوال نعمت ..... ۲۹
- دین چگونه کمال یافت؟ ..... ۳۰
- ولایت علی بن ابیطالب علیه‌السلام ..... ۳۱
- خطر در ابلاغ آیه ولایت ..... ۳۱
- خطر در ابلاغ آیه ولایت ..... ۳۱
- خطر یهود ..... ۳۲
- خطر جانی ..... ۳۲
- خطر تعطیل دعوت دینی ..... ۳۲
- ترس از کفار یا از مسلمین؟ ..... ۳۳
- وضع جامعه و مسلمین آن روز ..... ۳۳
- ولایت علی بن ابیطالب علیه‌السلام ..... ۳۴
- وجوب ولایت و جانشینی ..... ۳۴
- بررسی تحلیلی آیه ولایت ..... ۳۵
- چرا ذکر آیه صریح نیست؟ ..... ۳۵
- اهمیت موضوع ولایت ..... ۳۶
- رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از چه شری محافظت می‌شود؟ ..... ۳۶
- ترس از کدام مردم؟ ..... ۳۶
- چگونگی ابلاغ ولایت در روایات اسلامی ..... ۳۷
- حدیث غدیر ..... ۳۸

- ۳۹ ..... معرفی ولایت علی علیه‌السلام در آیات و روایات
- ۴۱ ..... تعریف اولی‌الأمر در قرآن
- ۴۱ ..... مفهوم اطاعت از خدا و رسول
- ۴۱ ..... مفهوم اطاعت اولی‌الأمر
- ۴۳ ..... جانشینان پیامبران، محافظین دین الهی
- ۴۴ ..... فصل سوم: همسران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و ازدواج‌های او
- ۴۴ ..... طبقات مجاز و غیرمجاز برای همسری پیامبر
- ۴۵ ..... شرایط همسری با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۴۵ ..... امتیاز همسران پیامبر و شرایط رفتار و گفتار آنها
- ۴۶ ..... محدودیت رفتارهای اجتماعی همسران پیامبر
- ۴۷ ..... تعداد همسران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۴۷ ..... دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۵۰ ..... روش و سفارش پیامبر درباره زنان
- ۵۱ ..... اثبات اختیار کامل برای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۵۲ ..... ازدواج پیامبر با مطلقه پسرخوانده خود
- ۵۳ ..... رعایت حریم پیامبر و همسران او
- ۵۴ ..... سؤال از پشت پرده و حجاب
- ۵۴ ..... منع ابدی ازدواج با همسران پیامبر
- ۵۴ ..... محارم همسران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۵۴ ..... دستور پوشش حجاب همسران پیامبر و زنان مؤمنین
- ۵۵ ..... حجاب چیست و چگونه باید پوشید؟
- ۵۵ ..... حجره‌های رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۵۵ ..... دو همسر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- ۵۷ ..... ارزش همسری رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

- ۵۸ ..... همسران خائن در بیت رسولان
- ۵۹ ..... داستان افک و تهمت به همسر پیامبر
- ۶۰ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت از دیدگاه قرآن و حدیث

### مشخصات کتاب

سرشناسه : امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶، -گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور : جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان)/ به اهتمام سیدمهدی امین؛ با نظارت محمد بیستونی.  
مشخصات نشر : قم: بیان جوان ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری : ۱۶۵ ص ۱۱. ۵/۱۶ × ۵/۱۶ س.م.  
فروست : تفسیر علامه [ج. ۲۸].  
شابک : ۰-۱۲۱-۲۲۸-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
یادداشت : کتاب حاضر بر اساس کتاب "المیزان فی تفسیر القرآن" اثر سیدمحمدحسین طباطبائی است.  
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.  
عنوان دیگر : المیزان فی تفسیر القرآن.  
موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت  
موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.  
موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- همسران  
موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴  
موضوع : خلافت  
شناسه افزوده : بیستونی محمد، ۱۳۳۷ -  
شناسه افزوده : طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن  
شناسه افزوده : تفسیر علامه [ج. ۲۸].  
رده بندی کنگره : BP۹۸/الف ۸۳ ت ۷ ج ۲۸ ۱۳۹۰  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹  
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۶۲۳۱

### فهرست مطالب

موضوع صفحه

تأییدیه آیه الله محمد یزدی رئیس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه ۵۰۰۰

تأییدیه آیه الله مرتضی مقتدائی مدیریت حوزه علمیه قم ۶۰۰۰

تأییدیه آیه الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده خبرگان رهبری ۷۰۰۰

مقدمه ناشر ۸۰۰۰

مقدمه مؤلف ۱۲۰۰۰

## فصل اول

اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله (ذوی القربی ۱۷۰۰۰) (۱۸۸)

اهل بیت کیست ۱۷۴۰۰۰

مفهوم تطهیر و معصوم بودن اهل بیت ۲۱۰۰۰ (۱۸۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

روایاتی در شناخت اهل بیت ۲۴۰۰۰

حدیث ثقلین ۲۶۰۰۰

تحلیلی از ذی القربی ۲۷۰۰۰

ذی القربی در نقش مراجع علمی مردم ۲۹۰۰۰

صلوة بر محمد و آل محمد ۳۳۰۰۰

نحوه صلوات فرستادن ۳۴۰۰۰

معنا و ضرورت صلوات ۳۵۰۰۰

(۱۹۰)

فاطمه زهرا علیهما السلام، کوثر عطیه خدا ۳۷۰۰۰

(۱۹۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

بحثی در معنی کوثر ۳۸۰۰۰

ابرار و وصف آنها در قرآن ۴۲۰۰۰

فصل دوم

ولایت و جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۷۰۰۰

ولایت و جانشینی پیغمبر اسلام از نظر قرآن ۴۷۰۰۰

فریضه ولایت ۴۸۰۰۰

زمان ابلاغ ولایت ۴۹۰۰۰

(۱۹۲)

دلیل تأخیر ابلاغ فریضه ولایت ۵۲۰۰۰

(۱۹۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

انتخاب جانشین: استحکام شالوده دین ۵۴۰۰۰

۵۷۰۰۰ اخلال در جانشینی و ولایت: زوال نعمت

۵۹۴۰۰۰ دین چگونه کمال یافت

۶۲۰۰۰ ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام

۶۴۰۰۰ خطر در ابلاغ آیه ولایت

۶۵۰۰۰ خطر یهود

۶۶۰۰۰ خطر جانی

(۱۹۴)

۶۷۰۰۰ خطر تعلیل دعوت دینی

(۱۹۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۶۹۰۰۰ ترس از کفار یا از مسلمین

۷۰۰۰۰ وضع جامعه و مسلمین آن روز

۷۱۰۰۰ ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام

۷۲۰۰۰ وجوب ولایت و جانشینی

۷۵۰۰۰ بررسی تحلیلی آیه ولایت

۷۶۴۰۰۰ چرا ذکر آیه صریح نیست

۷۷۰۰۰ اهمیت موضوع ولایت

(۱۹۶)

۷۸۴۰۰۰ رسول الله صلی الله علیه و آله از چه شری محافظت می شود

(۱۹۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۷۹۴۰۰۰ ترس از کدام مردم

۸۳۰۰۰ چگونگی ابلاغ ولایت در روایات اسلامی

۸۵۰۰۰ حدیث غدیر

۸۷۰۰۰ معرفی ولایت علی علیه السلام در آیات و روایات

۹۳۰۰۰ تعریف اولی الامر در قرآن

۹۴۰۰۰ مفهوم اطاعت از خدا و رسول

۹۵۰۰۰ مفهوم اطاعت اولی الامر

۱۰۱۰۰۰ جانشینان پیامبران، محافظین دین الهی

(۱۹۸)

فصل سوم

همسران رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۰۳۰۰۰

(۱۹۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- طبقات مجاز و غیرمجاز برای همسری پیامبر ۱۰۳۰۰۰
  - شرایط همسری با رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۰۶۰۰۰
  - امتیاز همسران پیامبر و شرایط رفتار و گفتار آنها ۱۰۸۰۰۰
  - محدودیت رفتارهای اجتماعی همسران پیامبر ۱۱۰۰۰۰
  - تعداد همسران رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۱۳۰۰۰
  - دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۱۵۰۰۰
  - روش و سفارش پیامبر درباره زنان ۱۲۳۰۰۰
  - اثبات اختیار کامل برای رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۲۵۰۰۰
- (۲۰۰)

ازدواج پیامبر با مطلقه پسرخوانده خود ۱۲۹۰۰۰

رعایت حریم پیامبر و همسران او ۱۳۴۰۰۰

(۲۰۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- سؤال از پشت پرده و حجاب ۱۳۵۰۰۰
  - منع ابدی ازدواج با همسران پیامبر ۱۳۶۰۰۰
  - محارم همسران رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۳۶۰۰۰
  - دستور پوشش حجاب همسران پیامبر و زنان مؤمنین ۱۳۷۰۰۰
  - حجاب چیست و چگونه باید پوشید ۱۳۸۰۰۰
  - حجره‌های رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۳۹۰۰۰
  - دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۴۰۰۰۰
  - ارزش همسری رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۴۷۰۰۰
- (۲۰۲)
- همسران خائن در بیت رسولان ۱۵۱۰۰۰
  - داستان افک و تهمت به همسر پیامبر ۱۵۲۰۰۰
- (۲۰)

تقدیم به

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا  
 وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةِ  
 الْمُضْطَفَى وَ بِهِجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِ  
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْاِثْمَةِ الشَّعْهَةِ  
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِاسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ  
 الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،  
 الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ  
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا  
 وَ أَهْلَنَا الضُّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنَا بِيضَاعَهُ  
 مُزْجَاهٍ مِنْ وِلَايَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ  
 فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ  
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

### متن تأییدیه حضرت آیه الله محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فرود فرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

(۵)

### متن تأییدیه حضرت آیه الله مرتضی مقتدایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پرگل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار

گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن مجید مأنوس به طوری که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه ویژه حضرت بقیت الله الاعظم ارواحنا فداه باشد.

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان المبارک ۱۴۲۷

(۶)

### متن تأییدیه حضرت آیه الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبھائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسانها می باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هر کس عنوان و موضوع مدنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیاً زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار قرآنی مفسرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمند جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

(۷)

### مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پر حجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفاً برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای» کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیر ترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع

جیبی

(۸)

کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای سیدمهدی امین»

می‌باشد. ایشان تمامی مجلدات تفسیرالمیزان را به دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیه الله مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان

مقدمه ناشر (۹)

شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به کارگیری تفسیر قرآن به قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبیری و اجتهادی توسل می‌جوید.

یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از

(۱۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به‌طور عمیق مورد بحث و بررسی قرار داده است.

شیوه مرحوم علامه به این شرح است که در آغاز، چند آیه از یک سوره را می‌آورد و آیه، آیه، نکات لغوی و بیانی آنرا شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای سید مهدی امین اقدام نموده‌ام.

مقدمه ناشر (۱۱)

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - تابستان ۱۳۸۸

(۱۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

## مقدمه مؤلف

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ  
فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ  
لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یا فرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

(۱۳)

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

(۱۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصاً محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه الله طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین‌مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید مقدمه مؤلف (۱۵)

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرار گیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

(۱۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.



ذکر این نکته لازم است که چون ترجمه تفسیر المیزان به صورت دو مجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰ جلدی منتشر شده بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد مورد نظر خود، صرف نظر از تعداد مجلدات بروید. و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان،

مقدمه مؤلف (۱۷)

تأسیس شده باشد، و استاد مسلم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگانی هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست! و صلوات خدا بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این

(۱۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیه الله طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

مقدمه مؤلف (۱۹)

## فصل اول: اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله (ذوی القربی)

### اهل بیت کیست؟

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا!»

(۲۸ تا ۳۵ / احزاب)

آیات ۲۵ تا ۳۵ سوره احزاب مربوط می‌شود به همسران رسول الله صلی الله علیه و آله که آیه

(۲۰)

مشهور تطهیر در ضمن آن‌ها قرار گرفته، و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله را عصمت بخشیده است. به خاطر اهمیتی که آیه تطهیر دارد، و شناخت اهل بیت را متعین می‌سازد، دو موضوع را از هم جدا بحث می‌کنیم:

۱ - اهل بیت کیست؟

۲ - مفهوم تطهیر چیست؟

این آیه که با عبارت «إِنَّمَا» شروع شده است، انحصار خواست خداوند تعالی را می‌رساند، و می‌فهماند که خدای سبحان خواسته تا رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت بخشد. این مسئله‌ای است مختص به آنان که می‌فرماید: «بدانید! خدای خواهد پلیدی را از شما اهل بیت برد، و پاک کند شمارا، پاک کردنی!»

در حقیقت خداوند متعال در این آیه، اول انحصار اراده و خواست خود را در بردن و

اهل بیت کیست؟ (۲۱)

دور کردن پلیدی، و تطهیر اهل بیت، می‌رساند و سپس این عصمت و دوری از پلیدی را در اهل بیت منحصر می‌سازد. روایاتی که در شأن نزول این آیه وارد شده نشان می‌دهد که این آیه در شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام فاطمه زهرا علیهما السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شده است و احدی در این فضیلت با آنان شرکت ندارد! این روایات بسیار زیاد و بیش از هفتاد حدیث است، که بیشتر آن‌ها از طریق اهل سنت است و اهل سنت آن‌ها را از طریق بسیاری، از ام سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد وائله بن القع، ابی الحمراء، ابن عباس، ثوبان (غلام آزادشده رسول الله صلی الله علیه و آله)، عبدالله بن جعفر، علی علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام، در قریب چهل طریق نقل کرده‌اند.

(۲۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

شیعه آن را از علی علیه السلام و امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام و همچنین از ام سلمه، ابی ذر، ابی لیلی، ابی الاسود دؤلی، عمرو بن میمون اودی و سعد بن ابی وقاص در قریب سی طریق نقل کرده‌اند.

بسیاری از این روایات و مخصوصاً آنچه از ام سلمه (که آیه در خانه او نازل شده)، روایت شده، تصریح دارد بر این که آیه مخصوص همان پنج تن است و شامل هیچ کس دیگر حتی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست!

با این که آیه نامبرده ضمن آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده شده است، ولی روایات کلاً اشاره دارند بر این که آیه مورد بحث به تنهایی و در یک واقعه جداگانه، نازل شده است و حتی در بین این هفتاد روایت، یک روایت هم وجود ندارد که بگوید آیه شریفه دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است.

اهل بیت کیست؟ (۲۳)

حتی احدی از مفسرین هم این حرف را نزده‌اند. و آن‌هائی هم که آیه مورد بحث را مخصوص همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته‌اند (مانند عکرمه و عروه)، نگفته‌اند که این آیه در ضمن آن آیات نازل شده است! پس آیه مورد بحث از نظر نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و متصل به آن نیست!

حال یا این است که به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله دنبال آن آیات قرارش داده‌اند و یا بعد از رحلت آن حضرت، اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آن جا نوشته‌اند.

بنا بر آنچه گفته شد، عبارت «اهل بیت» در عرف قرآن اسم خاص است، که هر جا برده شود، منظور همان پنج تن هستند (که به پنج تن آل عبا مشهورند)، یعنی:

رسول الله صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه زهرا علیهما السلام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی‌شود هر چند که از خویشاوندان و اقربای آن جناب باشد.

(۲۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

این معنا، معنایی است که البته قرآن کریم لفظ نامبرده را بدان اختصاص داده است و گرنه در عرف عام، کلمه نامبرده بر خویشاوندان نیز اطلاق می‌شود.

### مفهوم تطهیر و معصوم بودن اهل بیت

مفهوم تطهیر اهل بیت با توجه به فقرات آیه چنین می‌شود:

- خدا می‌خواهد تمامی انواع پلیدی‌ها و هیئت‌های خبیثه و رذیله را از نفس شما ببرد، هیئت‌هائی که اعتقاد حق و عمل حق را از

انسان می‌گیرد و چنین ازاله‌ای با عصمت الهیه منطبق می‌شود و آن عبارت است از صورت علمیه‌ای در نفس، که انسان را از هر باطلی، چه عقاید و چه اعمال، حفظ می‌کند!

مفهوم تطهیر و معصوم بودن اهل بیت (۲۵)

این آیه با شرح فوق، یکی از دلایل عصمت اهل بیت علیهم السلام است. در تحلیل آیه باید دقت شود که اگر مراد چنین معنایی نباشد و بلکه مراد به آن تقوی یا تشدید در تکالیف باشد، (چنان که برخی گفته‌اند)، دیگر اختصاصی به اهل بیت نخواهد داشت و خدا از همه بندگان تقوی می‌خواهد، نه تنها از اهل بیت، و نیز باید توجه کرد که یکی از اهل بیت خود رسول الله صلی الله علیه و آله است و با این که آن جناب به اتفاق عموم مسلمانان، از شیعه و سنی، معصوم است، دیگر معنی ندارد که خدا از او تقوی بخواهد!

پس چاره‌ای جز این نیست که آیه شریفه را حمل بر عصمت اهل بیت کنیم و بگوئیم - مراد به بردن رجس، عصمت از اعتقاد و عمل باطل است و مراد به تطهیر در عبارت «يُطَهَّرُكُمْ تَطَهِّيراً» زایل ساختن اثر رجس، به وسیله وارد کردن مقابل آن است و آن عبارت است از اعتقاد بحق! پس تطهیر اهل بیت، عبارت شد از این که:

(۲۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

- ایشان را مجهز به ادراک حق کند، حق در اعتقاد و حق در عمل. و آن وقت مراد به اراده این معنا در عبارت - خدا می‌خواهد چنین کند - نیز اراده تکوینی می‌شود!

مسلم است که اراده تشریحی که منشأ تکالیف دینی و منشأ متوجه ساختن آن تکالیف به مکلفین است، اصلاً با این مقام سازگار نیست! (و اراده تشریحی را خدا نسبت به تمام مردم دارد، نه تنها نسبت به اهل بیت). پس معنای آیه این شد که:

- خدای سبحان مستمرا و دائما اراده دارد، شما را به این موهبت، یعنی موهبت عصمت اختصاص دهد، به این طریق اعتقاد باطل و اثر عمل زشت را از شما اهل بیت ببرد و در جای آن عصمتی بیاورد که حتی اثری از آن اعتقاد باطل و عمل زشت در دل‌هایتان باقی نگذارد! (۱)

مفهوم تطهیر و معصوم بودن اهل بیت (۲۷)

### روایاتی در شناخت اهل بیت

در روایات اسلامی، در «در منثور» است که از طبرانی، از ام سلمه، روایت کرده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به فاطمه علیهما السلام فرمود:

- همسرت و دو پسرانت را نزد من حاضر کن! فاطمه ایشان را به خانه آورد.

پس رسول الله صلی الله علیه و آله پتوئی که بافت فدک بود بر سر ایشان انداخت و دست خود روی سر همگی آنان گذاشت و گفت:

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۷۶.

(۲۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

- بارها! این هاینده اهل محمد! (در نقل دیگر: آل محمد) پس صلوات و برکات را بر آل محمد قرار ده! همان طور که بر آل ابراهیم قرار دادی و تو حمید و مجیدی!

ام سلمه می‌گوید: پس من پتو را بلند کردم که من نیز جزو آنان باشم، رسول خدا صلی الله علیه و آله از دستم کشید و فرمود: -

تو عاقبت به خیری!

در روایت دیگر از ابی سعید خدری روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیه  
«أَنَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا!»

درباره پنج نفر نازل شد: من، علی، فاطمه، حسن و حسین!

در روایت دیگری نیز از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت:

«چون علی علیه السلام فاطمه زهرا علیهما السلام ازدواج کرد، چهل روز صبح رسول خدا صلی الله علیه و آله به در خانه او آمد و گفت:

روایاتی در شناخت اهل بیت (۲۹)

- سلام بر شما اهل بیت، و رحمت و برکات او! وقت نماز است، خدا رحمتتان کند!

«أَنَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا!»

من دشمن حربی کسی هستم که با شما بجنگد و دوست هستم با کسی که با شما دوست باشد!» (۱)

### حدیث ثقلین

در روایات اسلامی، در «غایه الحرام» از یزید بن حیان روایتی آمده که گفت: «داخل شدیم روزی بر «زید بن ارقم» او گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را خطاب کرد و فرمود:

- آگاه باشید! که من در بین شما امت اسلام دو چیز گران می گذارم و می روم،

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۸۷.

(۳۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

یکی: کتاب خدای عز و جل است، که هر کس پیروی اش کند، هدایت می شود، و هر که آن را به پشت سر بیندازد، در ضلالت است!

دومی: اهل بیت! من خدا را به یاد شما می آورم، در اهل بیت...! (و این کلمه را سه بار تکرار کرد.) ما از زید بن ارقم پرسیدیم:

- اهل رسول خدا صلی الله علیه و آله که بود؟ آیا همسرانش بودند؟ گفت: نه! اهل بیت او دودمان اویند، که بعد از آن جناب صدقه خوردن بر آنان حرام است - یعنی: آل علی، آل عباس، آل جعفر و آل عقیل.

(در این روایت کلمه اهل بیت به «نسب» تفسیر شده، هم چنان که عرفا هم بر این معنا اطلاق می شود، لکن در روایات ام سلمه و غیر

او روشن می شود که در خصوص رسول الله صلی الله علیه و آله اهل بیت فقط - علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند!) (۱)

حدیث ثقلین (۳۱)

### تحلیلی از ذی القربی

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى!» (۲۳ / شوری)

«بگو! من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی کنم، به جز مودت نسبت به اقباء! و کسی که علاوه بر مودت احسانی هم بکند،

ما حسن آن احسان را برایش اضافه می کنیم! که خدا آمرزگار و قدردان است...!»

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۹۰.

(۳۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

آن چیزی که در این آیه درخواست مزد در مقابل آن نفی شد، تبلیغ رسالت و دعوت دینی است. خدای تعالی این معنا را از عده‌ای از انبیاء از قبیل نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهم السلام حکایت کرده است، که در ضمن سخنانی که به امت خود می‌گفتند، این را نیز خاطر نشان می‌ساختند.

در آیه ۹۰ سوره انعام به علت مزد نخواستن اشاره کرده و فرماید:

- قرآن تذکری است برای تمام عالم، نه برای یک طایفه معین، تا من از آن طایفه مطالبه مزد نکنم! چون وقتی قرآن مال همه مردم شد، اگر من از کسی مزد بگیریم در برابر مال خود او بهائی گرفته‌ام!

در آیات مختلف قرآن مزد و اجر رسول خدا صلی الله علیه و آله را موارد مختلفی ذکر فرموده، مانند آیه ۵۷ سوره فرقان که در آن می‌فرماید:

تحلیلی از ذی القربی (۳۳)

- بگو! مزد من این است: که یکی از شما بخواهد راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند! یعنی دعوت مرا بپذیرد، همین مزد من است! و خلاصه چیزی به جز دعوت در کار نیست، نه اجری و نه مزدی!

اما خدای تعالی در آیه سوره شوری بر خلاف آیاتی که ذکر آن رفت، اجری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله معین کرده است و آن عبارت است از: «مودت به اقربای آن حضرت!» (۱)

### ذی القربی در نقش مراجع علمی مردم

۱- المیزان ج: ۳۵، ص: ۷۰.

(۳۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

حال بینیم مودت ذی القربای رسول خدا صلی الله علیه و آله به چه معناست؟

مفسرین در این رابطه حرف‌های زیادی زده‌اند و خواسته‌اند گروه‌های خاصی را (مانند قریش و غیره) از لحاظ نزدیکی با رسول الله صلی الله علیه و آله شامل این آیه بدانند، ولی مودتی که اجر رسالت فرض شده، چیزی ماورای خود رسالت و دعوت دینی و بقا و دوام آن نیست!

لذا، مراد به مودت در قربا، با توجه به آیات قبلی سوره فوق که می‌فرماید: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»، (۱۳ / شوری) و اقامه دین و احکام آن را واجب می‌نماید، ایجاد وسیله‌ای است که در واقع می‌خواهد این محبت را وسیله‌ای قرار دهد برای همین که مردم را به اهل بیت، به عنوان مرجع علمی ارجاع دهد، لذا مراد به مودت در قرباء دوستی خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که همان عترت او از اهل بیتش می‌باشند.

ذی القربی در نقش مراجع علمی مردم (۳۵)

بر طبق این تفسیر، روایاتی هم از طریق اهل سنت و اخبار بسیاری از طریق شیعه، وارد شده است که همه آن‌ها آیه را به مودت عترت و دوستی با آن حضرات علیهم السلام، تفسیر کرده‌اند و اخبار متواتری هم که از طریق دو طایفه بر وجوب مودت اهل بیت و محبت آن حضرات رسیده، که این تفسیر را تأیید می‌نماید!

و اگر در یک طایفه دیگر اخبار، که آن نیز متواتر است، یعنی اخباری که به هر دو طریق از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و مردم را در فهم کتاب خدا و معارف اصولی و فروعی دین و بیان حقایق آن، به اهل بیت علیهم السلام ارجاع داده است، (مانند: حدیث ثقلین و حدیث سفینه و امثال آن)، دقت کافی به عمل آوریم، هیچ شکی باقی نمی‌ماند که منظور از واجب کردن مودت اهل بیت و آن را اجر رسالت قرار دادن، تنها این بوده که این محبت را وسیله‌ای قرار دهد برای همین که مردم را به ایشان ارجاع

دهد و اهل بیت مرجع علمی مردم قرار گیرند!

(۳۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

پس به طوری که گفتیم، مودتی که اجر رسالت فرض شده چیزی غیر از خود رسالت و دعوی دینی و بقا و دوام آن نیست! در نتیجه، برگشت معنای آیه به این می‌شود که من از شما اجری درخواست نمی‌کنم، چیزی که هست، از آن‌جا که خدای تعالی مودت به عموم مؤمنین را که قرابت من هم از ایشانند، بر شما واجب فرموده، من مودت شما را نسبت به اهل بیت اجر رسالت می‌شمارم! خدای تعالی فرموده:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (۹۶ / مریم)

کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح کردند (که اهل بیت علیهم السلام در این وادی راهنمایان سائرینند)، خدای رحمن به زودی محبتشان را در دل‌ها می‌اندازد.

ذی‌القربی در نقش مراجع علمی مردم (۳۷)

و نیز فرموده: «مؤمنین و مؤمنات دوستان یکدیگرند!» (۷۱ / توبه) ضمناً این اجر مودت در عین حال نفعی است که عاید خود بشر می‌گردد، نه عاید عترت! (۱)

### صلوات بر محمد و آل محمد!

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...!» (۵۶ / احزاب)

«خدا و فرشتگان او بر پیامبر اسلام درود می‌فرستند. شما هم، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او صلوات بفرستید! و آن طور که باید تسلیم شوید!»

۱- المیزان ج: ۳۵، ص: ۷۰.

(۳۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

صلوات خدا بر پیغمبر به معنای انعطاف او به وی است، به وسیله رحمتش، البته انعطافی مطلق (چون در آیه شریفه صلاة را مقید به قیدی نکرده است). صلوات ملائکه خدا بر پیامبر به معنای انعطاف ملائکه است به پیامبر، به این که او را تزکیه کنند و برایش استغفار نمایند.

صلوات مؤمنین بر پیامبر، انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای او! در این که خدای تعالی، قبل از امر به مؤمنین (که بر پیامبر صلوات بفرستند)، نخست صلوات خود و ملائکه خود را ذکر کرد، دلالتی هست بر این که صلوات مؤمنین بر آن جناب پیروی خدای سبحان و متابعت از ملائکه اوست.

از طریق شیعه و سنی روایات بسیاری رسیده در این که طریقه صلوات فرستادن مؤمنین بر آن جناب این است که از خدا بخواهند بر «او» و «آل او» صلوات بفرستد.

صلوة بر محمد و آل محمد! (۳۹)

### نحوه صلوات فرستادن

در روایات اسلامی در «منثور» آمده که مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: - ما سلام کردن به تو را فهمیدیم که چگونه است، بفرمائید که صلوات را چگونه بفرستیم؟ فرمود بگو:

- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ!

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ!

(این روایت در مآخذ اهل تسنن در «در منثور» است که از عبدالرزاق، ابن ابی

(۴۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

شبهه، احمد عبد بن حمید، بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن مردویه، از کعب بن عجزه روایت کرده است.)

سیوطی در «در منثور» غیر از این حدیث هیچ‌ده حدیث دیگر آورده که همه دلالت دارند بر این که باید «آل محمد» را نیز در صلوات اضافه کرد و گفت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ!

(این روایات را صاحبان سنن و جامع حدیث از عده‌ای از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله از آن جمله: ابن عباس، طلحه، ابوسعید خدری، ابوهریره، ابو مسعود، کعب بن عجزه و علی علیه السلام نقل کرده‌اند و روایات شیعه نیز در این زمینه از حد شمار بیرون است!)

### معنا و ضرورت صلوات

معنا و ضرورت صلوات (۴۱)

در معنی صلوات از حضرت ابی الحسن علیه السلام در کتاب ثواب الاعمال نقل شده که از آن جناب سؤال شد که معنای صلوات خدا و صلوات ملائکه و صلوات مؤمنین بر رسول الله صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود:

«صلوات خدا رحمت خداست! صلوات ملائکه تزکیه ایشان وی راست! و صلوات مؤمنین دعایشان برای اوست!»

در کتاب خصال، از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که فرمود:

– صلوات را بر محمد و آل او بفرستید، که خدای تعالی دعای شما را هنگامی که نام محمد را ببرید و حق او را رعایت کنید، مستجاب می‌کند. پس وقتی می‌خوانید:

(۴۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...!»

چه در نماز آن را بخوانید و چه در غیر نماز، صلوات را بفرستید! (۱)

فاطمه زهرا علیهما السلام، کوثر عطیه خدا

«أَنَا أَعْطَيْتُكَ الْكَوْثَرَ...!»

«ما به تو کوثر عطا کردیم، به شکرانه‌اش نماز برای پروردگارت بخوان، و نحر کن! بدان که دشمن تو نسلش منقطع است!» (۳ / کوثر)

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۲۲۱.

فاطمه زهرا علیهما السلام، کوثر عطیه خدا (۴۳)

خدای منان در این سوره متی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نهاده به این که به آن جناب «کوثر» عطا فرموده است. این بدان منظور است که آن جناب را دلخوش سازد.

در این مورد کلمه «إِعْطَاء» را به کار برده و آن را به خود نسبت داده تا عظمت این عطیه را برساند!

این جمله از این دلالت خالی نیست که فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و این

خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است!

همان‌طور که می‌بینیم خدای تعالی بعد از درگذشت آن حضرت برکتی در نسل آن جناب قرار داد، به طوری که در همه عالم هیچ نسلی معادل آن دیده نمی‌شود، آن هم با آن همه بلاها که بر سر ذریه آن جناب آوردند و گروه گروه از ایشان کشتند! (۱)

(۴۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### بحثی در معنی کوثر

در معنا و تفسیر کلمه «کوثر» و این که کوثر چیست، اختلاف عجیبی بین مفسرین وجود دارد. در مجمع‌البیان کوثر به معنای «خیر کثیر» تفسیر شده است.

سایرین به شرح زیر آن را تفسیر کرده‌اند:

- نهری است در بهشت،

- حوض خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله در بهشت یا در محشر،

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۴۰۹.

بحثی در معنی کوثر (۴۵)

- اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله ،

- اصحاب و پیروان آن جناب است تا روز قیامت،

- علمای امت او،

- قرآن و فضایل بسیار آن است،

- مقام نبوت است،

- تفسیر قرآن است،

- تخفیف شرایع و احکام است،

- اسلام است،

- توحید است،

- علم و حکمت است،

(۴۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

- فضایل رسول خدا صلی الله علیه و آله است،

- مقام محمد است،

- نور قلب شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

... از این قبیل اقوال دیگر که برخی از مفسرین نقل کرده‌اند، بالغ بر ۲۶ قول است. صاحبان دو قول اول استدلال کرده‌اند به

بعضی روایات ولی بقیه اقوال هیچ دلیلی ندارند جز حرف زدن بی دلیل!

به هر حال، این که در آخر سوره فرموده: «دشمن تو مقطوع النسل است»، با در نظر گرفتن این که کلمه «أَبْئَر» در ظاهر به معنای

«اجاق کور» است، چنین دست می‌دهد که منظور از کوثر تنها و تنها کثرت ذریه‌ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته و

برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده است.



بحثی در معنی کوثر (۴۷)

و یا مراد هم «خیر کثیر» است و هم «کثرت ذریه»، چیزی که هست کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است و اگر منظور مسئله ذریه به استقلال یا به طور ضمنی نبود، آوردن کلمه «إِنَّ» در جمله «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ - بدان که محققا دشمن و شماتت گوی تو اجاق کور است!» فایده‌ای نداشت، زیرا کلمه «إِنَّ» علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد که بفرماید ما به تو حوض دادیم، چونکه بدگوی تو اجاق کور است و یا بی‌خبر است!؟

روایات هم بسیار زیاد رسیده که سوره مورد بحث در پاسخ کسی نازل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به اجاق کور بودن زخم زبان زد و این زخم زبان هنگامی بود که قاسم و عبدالله دو فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند.

در بعضی از تواریخ آمده که شماتت کننده عاصی بن وائل بوده است، ولی برخی (۴۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

نیز نام ولید بن مغیره، ابوجهل، عقبه بن ابی معیط و کعب بن اشرف را ذکر کرده‌اند، ولی معتبر همان است که می‌گفت: عاصی بن وائل بوده است، چون در احتجاج حضرت امام حسن علیه السلام علیه عمرو بن عاصی پسر عاصی، به نقل از مرحوم طبرسی مفصل در این باره احتجاج شده است. (۱)

## ابرا و وصف آنها در قرآن

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (۸ تا ۹ / سوره دهر)

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۴۰۹.

ابرا و وصف آنها در قرآن (۴۹)

سیاق این آیات، سیاق سرودن یک داستان است، داستان مردمی از مؤمنین که قرآن نامشان را ابرار خوانده و از پاره‌ای کارهایشان، یعنی وفای به نذر و اطعام مسکین و یتیم و اسیرشان خبر داده است و ایشان را می‌ستاید و وعده جمیل‌شان می‌دهد!

معلوم می‌شود که سبب نزول این آیات هم همین داستان بوده که در تاریخ اسلام ثبت شود. این داستان در خارج واقع شده است، نه این که بخواهد یک قصه فرضی را جعل کند و آن‌گاه آثار خوب آن را شمرده و کسانی را که آن‌چنان عمل کنند وعده جمیل دهد.

نکته مهمی که از لحاظ تاریخی باید بدان توجه داشت این است که این آیات یکی از سه طایفه‌ای را که به وسیله ابرار اطعام شده‌اند. اسیر دانسته است. این خود شاهد بر این است که آیه مزبور در مدینه نازل شده است و داستان بعد از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله

(۵۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

و قوت یافتن اسلام و غلبه مسلمین بر کفار و مشرکین اتفاق افتاده است، نه قبل از آن.

در این آیات، هدف عملکرد این افراد را «لَوْجِهَ اللَّهِ» دانسته است. معنای این که عملی به خاطر وجه الله انجام شود، این است که در انجام عمل این نتیجه منظور گردد که رحمت خدای تعالی و خوشنودی اش جلب شود! منظور تنها و تنها این باشد و ذره‌ای از پاداش هائی که در دست غیر الهی است، منظور نباشد:

«بندگانی که به نذر خود وفا کنند و از روزی بترسند که، شر آن روز به همه سو گسترده باشد و غذای خود را برای دوستی او، به مسکین و یتیم و اسیر، می‌دهند! و گویند: ما شما را در راه خدا طعام می‌دهیم! از شما نه پاداشی می‌خواهیم و نه هیچ سپاسگراری!»

(۷ تا ۹ / انسان)

در روایات اسلامی، از ابن عباس (در کشف) روایت شده که حسن و حسین علیهما السلام ابرار و وصف آنها در قرآن (۵۱)

بیمار شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمعی از صحابه از ایشان عیادت کردند و مردم به علی علیه السلام گفتند: چه خوب است که برای بهبودی فرزندان نذری کنی! علی و فاطمه و فضه (کنیز آنها) نذر کردند که اگر کودکان بهبودی یابند، سه روز روزه بدارند. بچه‌ها بهبودی یافتند و اثری از کسالت باقی نماند.

بعد از بهبودی کودکان، علی علیه السلام از شمعون خیبری یهودی سه من جو قرض کرد و فاطمه علیهما السلام یک من آن را دستاس و سپس خمیر کرد و پنج قرص نان به عدد افراد خانواده پخت و سهم هر کسی را جلوش گذاشت، تا افطار کنند.

در همین بین سائلی به در خانه آمد و گفت:

- سلام بر شما اهل بیت محمد! مسکینی از مساکین مسلمینم، مرا طعام دهید که خدا

(۵۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

شما را از مائده‌های بهشتی طعام دهد!

خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمردند و افطار خود را به او دادند و آن شب را جز آب چیزی نخوردند و با شکم گرسنه دوباره نیت روزه کردند.

هنگام افطار روز دوم طعام را پیش خود نهادند تا افطار کنند، یتیمی بر در سرای ایستاد. آن شب هم یتیم را بر خود مقدم داشتند و در شب سوم اسیری آمد و همان عمل را با او کردند!

صبح روز چهارم که شد، علی علیه السلام دست حسن و حسین علیه السلام را گرفت و نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند و پیامبر اکرم وقتی بچه‌ها را دید که چون جوجه ضعیف از شدت گرسنگی می‌لرزند، فرمود: چقدر بر من دشوار می‌آید که من شما را به چنین حالی بینم!

ابرار و وصف آنها در قرآن (۵۳)

و آن گاه با علی و کودکان به طرف فاطمه رفت و او را در محراب خود یافت و دید که شکمش از گرسنگی به دنده‌های پشت چسبیده و چشم‌هایش گود افتاده است.

از مشاهده این وضع، رسول گرامی ناراحت شد. در همین حال جبرئیل نازل شد و عرضه داشت:

- این سوره را بگیر، که خدا تو را به خاطر داشتن چنین اهل بیتی تهنیت می‌گوید! آن گاه این سوره (انسان) را قرائت کرد. (۱)

۱- المیزان ج: ۳۹، ص: ۳۵۷.

(۵۴)

## فصل دوم: ولایت و جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله

### ولایت و جانشینی پیغمبر اسلام از نظر قرآن

«الْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ... الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ!» (۳ / مائده)

آیه فوق در قرآن کریم بیانگر حادثه‌ای تاریخی در صدر اسلام، یعنی تعیین «جانشین» پیامبر اکرم و صدور امر «ابلاغ ولایت»

است!

قبل از تفسیر و تحلیل آیه، خلاصه‌ای از چگونگی ابلاغ «ولایت» و قرائت آیه فوق را از مجموع احادیث و روایات اسلامی، بیان می‌کنیم:

ولایت و جانشینی پیغمبر اسلام از نظر قرآن (۵۵)

### فریضه ولایت

احادیث و روایات همه اتفاق دارند که واقعه «غدیر خم» هنگام بازگشت رسول الله صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه اتفاق افتاده است.

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَعَلَيْ مَوْلَاهُ!»

این «ولایت» مانند «تولی» و «تبری» که قرآن کریم درباره آن در آیات زیادی نص صریح دارد، از جمله «فرایض» است! و اگر چنین است پس نمی‌توانیم جعل این فریضه را متأخر از این آیه، یعنی «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ!» قرار دهیم و بنابراین حتماً این آیه بعد از آن که این فریضه از طرف

(۵۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

خدا واجب گشته، نازل شده است. (۱)

### زمان ابلاغ ولایت

از لحاظ زمانی، این واقعه مدت کوتاهی مانده به رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق افتاده است و آن یک روز پنجشنبه بوده که هفده شب از ذی‌الحجه سنه دهم هجری گذشته بود. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از «حَجَّةُ الْوُدَاعِ» برمی‌گشت، به سرزمینی فرود آمد که به آن «ضوجان» می‌گفتند. پس این آیه نازل شد:

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۳۲.

۲- المیزان ج: ۹، ص: ۳.

زمان ابلاغ ولایت (۵۷)

«يَأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ! وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ! - ای رسول! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، ابلاغ کن! و اگر عمل نکنی، پس رسالت خود را ابلاغ نکرده‌ای! خدا تو را از مردم حفظ می‌کند!» (۶۷/مائده)

چون این آیه نازل شد که از شر مردم محفوظش خواهد داشت، فریاد برآورد:

- الصَّلَاةُ الْجَامِعَةُ! - نماز جماعت! آن گاه مردم اجتماع کردند و پیغمبر فرمود: - کیست که از خودتان به شما اولی باشد! پس مردم به طور دسته‌جمعی ضجه کردند و گفتند: - خدا و رسول او!

آن گاه علی بن ابیطالب را گرفت و فرمود:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَعَلَيْ مَوْلَاهُ! هر که را من مولا هستم، پس علی مولای اوست!

(۵۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ! خدایا! هر که علی را دوست بدارد، دوستش بدار!

وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ! وَ هِرْ كِه دَشْمَن بَدَارْد، دَشْمَنَش بَدَار! وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ! هِرْ كِه اَو رَا يَارِي كَنْد، يَارِي اَش كَنْ! وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ! وَ هِرْ كِه اَو رَا بَرَانْدَاذْد، بَرَانْدَاذَش! لِأَنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ! وَ هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي!

علی از من است و من از او هستم! و نسبت او به من به منزلت هارون است به موسی، الا این که بعد از من پیامبری نخواهد بود! و این آخرین فریضه‌ای بود که خدا بر امت محمد صلی الله علیه و آله واجب کرد و پس از آن خدا این آیه را بر پیغمبر نازل فرمود: «امروز آنان که کافر شدند، از دین شما مأیوس گشتند، پس از آنان مترسید و از من بترسید! امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را زمان ابلاغ ولایت (۵۹)

بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پسندیدم!» (۳ / مائده)  
 (معنی «اکمال دین» کامل ساختن دین، از حیث فرایض است، که دیگر بعد از این آیه، هیچ فریضه‌ای باقی نماند که تشریح نشده باشد.) (۱)

مردم هر یک از فرایض را که خدا به ایشان دستور داده بود، اعم از نماز و روزه و زکات و حج از پیغمبر صلی الله علیه و آله پذیرفته و وی را در این زمینه تصدیق کرده بودند. (نقل از حضرت باقر علیه السلام در المناقب الفاخره) (۲)

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۳۰۷.

۲- المیزان ج: ۹، ص: ۲۹۹.

(۶۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### دلیل تأخیر ابلاغ فریضه ولایت

اگر در دو آیه فوق‌الذکر تدبر کنیم و همچنین در احادیثی که از طریق شیعه و سنی در زمینه این دو آیه رسیده و در روایات متواتر غدیر خم تامل کنیم، و به همین ترتیب، اوضاع داخلی جامعه اسلامی را در اواخر عهد رسول الله صلی الله علیه و آله به خوبی بررسی و عمیقاً در آن فکر کنیم، قطع پیدا می‌کنیم که امر «ولایت» ایامی چند قبل از روز غدیر نازل شده بود، ولی پیغمبر صلی الله علیه و آله در اظهار آن از مردم پرهیز می‌کرد، می‌ترسید مردم این امر را تلقی به قبول نکنند و یا نسبت به حضرتش قصد سوئی کنند، و در نتیجه امر دعوت مختل شود و بدین جهت در تبلیغ این امر به مردم، امروز و فردا می‌کرد تا این که آیه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ! - بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...!» (۶۷ / مائده) نازل شد و آن وقت دیگر پیغمبر صلی الله علیه و آله مهلت نداد.

دلیل تأخیر ابلاغ فریضه ولایت (۶۱)

و بنابراین، ممکن است خداوند، قسمت معظم سوره را که آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ!» در بین آن بوده و همچنین امر «ولایت» را با این آیه، و همه این‌ها را، روز عرفه نازل کرده باشد، ولی پیغمبر صلی الله علیه و آله بیان «ولایت» را تا روز «غدیر خم» به تأخیر انداخته، ولی آیه ولایت را روز «عرفه» خوانده باشد و این که برخی از روایات نزول آن را روز غدیر خم گفته‌اند، بعید نیست از این جهت باشد که پیغمبر صلی الله علیه و آله این آیه را از نظر این که در شأن ولایت نازل شده، مقارن با تبلیغ امر «ولایت» قرائت کرد. (۱)

### انتخاب جانشین: استحکام شالوده دین

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۳۰۲.

(۶۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

شروع آیه ولایت با عبارت زیر، اولین نقطه اهمیت فریضه ولایت را گوشزد می کند:

«امروز، آنان که کافر شدند، از دین ما مأیوس گشتند، پس از آن‌ها مترسید، ولی از من بترسید!» (۳ / مائده)

کفار در دین مسلمانان، یعنی «اسلام» طمع داشتند و امیدوار بودند که تا پس از یک مدت به نحوی از بین بروند. این طمع و امید، اسلام را هر زمان تهدید می کرد و دین هر روز از طرف آنان در معرض خطر بود و مسلمانان حق داشتند و بجا بود که از این مطلب بترسند و حذر داشته باشند.

پس عبارت «از آنان مترسید!» از طرف خدای سبحان، مؤمنین را از آن خطری که متوجه آنان بود و از رخنه نهانی آن ترس داشتند امان می دهد.

انتخاب جانشین: استحکام شالوده دین (۶۳)

مشرکین سعی داشتند این شجره طیبه را از ریشه قطع کنند و این بنیان رفیع را با فریب دادن مؤمنین و اشاعه نفاق در جماعت آنان و منتشر کردن شبهات و خرافات به منظور فاسد کردن دین مسلمین، از پایه و شالوده خراب کنند. در ابتداء شروع کردند تصمیم و همت پیغمبر را در دعوت دینی، با مال و جاه سست کنند و تصمیم حضرت را از بین ببرند. سپس کوشیدند بر اثر آمیزش و مداهنه پیغمبر را سست کنند... آخرین چیزی که کفار امید بدان داشتند و امیدوار بودند که با آن دین از بین برود و دعوت حق پیغمبر بمیرد این بود که عنقریب دین با وفات این شخصی که امر دین را بپا داشته و فرزند ذکوری در پی ندارد، می میرد!

لذا تمام ناامیدی کفار هنگامی محقق می شود که خدای سبحان برای این دین کسی را منصوب کند که در پاسداری و تدبیر امر دین و ارشاد و هدایت امتی که بر اثر دین

(۶۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

سرپا ایستاده‌اند، قائم مقام پیغمبر باشد! دنباله این کار، ناامیدی کفار از دین مسلمانان است، زیرا مشاهده می کردند که این دین از مرحله خطر خارج شده و به مرحله‌ای رسیده که عهده‌دار «شخصی» آن را به عهده دار «نوعی» تحویل داده است و این کامل ساختن دین است، که دین را از حالت زوال پذیری به حالت دوام و بقاء برگرداند و این تمام کردن نعمت دین است! منظور از کفار، اعم از بت پرستان و یهودیان و مسیحیان و دیگران هستند. (۱)

### اخلاص در جانشینی و ولایت: زوال نعمت

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۲۶۸.

اخلاص در جانشینی و ولایت: زوال نعمت (۶۵)

خدای متعال پس از مژده برطرف شدن خطر دشمنان به وسیله تعیین جانشین پیامبر، مسلمین را از یک خطر بالاتری می ترساند و آن چیست که می فرماید: «از آن‌ها مترسید و از من بترسید؟» (۳/مائده)

مفاد کلام این است که - بر شما واجب است در امر دین ترس داشته باشید، ولی سبب این ترس، تا امروز با کفار بود و شما از آنان ترس داشتید، زیرا در دین شما امید داشتند، ولی امروز دیگر ناامید شده‌اند و سبب ترس حالا دیگر منتقل شده به چیزی که نزد خداست، پس تنها از او بترسید!

این عبارت خالی از تهدید نیست:

آن چیزی که خداوند متعال دستور داده درباره آن از خودش بترسند، این است که خدا دینش را از دست مسلمانان بگیرد و این

نعمتی را که به آنان بخشیده از

(۶۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

آنان سلب نماید!

خدای سبحان این مطلب را بیان کرده که سلب نعمت، سببی غیر از کفر به آن ندارد و کفران کنندگان نعمت را با شدیدترین وجهی در آیات قرآنی تهدید فرموده است. حالا که دین با فریضه «ولایت» کامل گشته است، خطری از جانب کفار نیست ولی عوامل و موجبات فساد و هلاک می‌تواند از ناحیه خود مسلمانان در دین رخنه کند. و این، بر اثر کفران مسلمانان به این نعمت تمام شده و کنار گذاشتن این دین کامل و مورد پسند خدا است، که در چنین روزی خدا نعمتش را از ایشان می‌گیرد و به نعمت تغییرش می‌دهد و جامه گرسنگی و ترس بر ایشان می‌پوشاند... البته مسلمانان این کار را کردند و خدا هم کرد...!

(هر که بخواهد اندازه صدق و راستی این آیه را در این پیش‌بینی دریابد،

اخلال در جانیشینی و ولایت: زوال نعمت (۶۷)

لازم است در وضع و حال امروز عالم اسلام تأمل کند و آن‌گاه به عقب برگردد و حوادث تاریخی را تحلیل کند تا به ریشه این وضع دست یابد!

همه آیات «ولایت» در قرآن کریم، ارتباط تامی با تحذیر این آیه دارد و خدا به غیر از باب ولایت، جای دیگر مردم را از خودش تحذیر نکرده است، که پشت سر هم می‌فرماید: «يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ!» (۲۸ / آل عمران)

## دین چگونه کمال یافت؟

آیه شریفه می‌فرماید:

- «امروز دین شما را برایتان کامل گرداندم!» (۳ / مائده)

(۶۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

مراد از «دین» مجموع معارف و احکام تشریح شده است، که آن روز یک چیز بر عددشان اضافه و «تکمیل» شد. و دنباله آیه می‌فرماید: «و نعمتم را بر شما تمام کردم!»

مراد از نعمت (هر چه باشد)، امری است معنوی واحد که گویا ناقص بوده و اثری نداشته و حالا تمام شده و اثری که از آن انتظار می‌رفت، بر آن بار شده است. «اسلام» - که مجموع چیزهایی است که از طرف خدا نازل شده تا او را پرستند - «دین» است و از آن جهت که از حیث «عمل کردن» به آن، مشتمل بر ولایت خدا، ولایت رسول و ولایت اولیاء امر بعد از رسول است، «نعمت» است. ولایت خدا (یعنی تدبیر امور بندگان به وسیله دین)، تمام نمی‌شود مگر به ولایت رسول او و ولایت رسول او نیز جز به واسطه ولایت «اولی الامر» بعد از رسول (یعنی تدبیر امور دینی مردم به اذن خدا)، تمام نمی‌شود!

دین چگونه کمال یافت؟ (۶۹)

پس خدای تعالی می‌فرماید:

- امروز - یعنی روزی که کفار در آن روز از دین شما مأیوس گشتند - مجموع معارف دینی را که بر شما نازل کرده بودم، به واسطه واجب کردن «ولایت» کامل ساختم و نعمتم را - یعنی ولایت را که عبارت از اراده و تدبیر الهی امور دینی است - بر شما تمام کردم، زیرا تا امروز تنها ولایت خدا و رسول بود و این ولایت مادام که وحی نازل می‌شود کافی است، ولی برای دوره بعد، از زمان انقطاع وحی، که رسول در بین مردم نیست که از دین خدا حمایت و دفاع کند، کافی نیست، بلکه لازم و واجب است که کسی را منصوب کنند تا بدین امر قیام کند و او همان «ولئی امر» بعد از رسول خداست، که قیم امور دین و امت است!

پس «ولایت» یک «قانون» است، که ناقص بود و تمام نبود و با نصب ولی بعد از

(۷۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

رسول، تمام شد و حالا تشریح دین کامل شده و نعمت ولایت تمام گشته، من از حیث دین، اسلام را برای شما پسندیم، که دین توحید است و در این دین به جز خدا پرستش نمی‌شود و غیر از خدا یا ولی و رسولی که خدا امر به اطاعت او کرده باشد، از کس دیگری اطاعت نمی‌شود! (۱)

### ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ!» (۶۷ / مائده)

۱- المیزان ج: ۹، ص: ۲۵۸.

ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام (۷۱)

در این مبحث، تاریخ ولایت واقعی و امامت امام اول مسلمین و بررسی و تحلیل آیات و روایات برگزیده شدن آن حضرت به این مقام الهی، مطرح است، نه خلافت تاریخی آن حضرت بعد از سه تن از خلفا، به عنوان خلیفه چهارم مسلمین! آیات مربوط به خلافت و ولایت آن حضرت نشان می‌دهند که لزوماً حکومت و خلافت واقعی آن حضرت، بلافاصله پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برقرار بوده است، هر چند به دلایل سیاسی روز، این حکومت و ولایت تعیین شده از طرف خدا و رسول او، پس از مدتی طولانی و سپری شدن دوران حکومت سه خلیفه پیشین ظاهر شده است.

همان‌گونه که در تاریخ ثبت است، اتفاقات تاریخی آن دوره نیازمند بحث و بررسی جداگانه‌ای است، که مربوط به بحث تفسیری حاضر نیست، لذا در این مطالب، تاریخ

(۷۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

ولایت آن حضرت صرفاً از لحاظ آیات قرآنی مربوط مورد تحلیل قرار می‌گیرد. آیات متعددی در قرآن مجید وجود دارد که بر ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دلالت دارند. یکایک این آیات جداگانه در این کتاب نقل شده است. آیه‌ای که در بالا ذکر گردیده یکی بارزترین آنهاست و این آیه دستور اصلی ابلاغ ولایت، به شمار می‌رود، که به موجب آن خداوند سبحان در قرآن مجید به رسول گرامی خود صلی الله علیه و آله چنین فرمان می‌دهد:

- «ای رسول ما! آنچه را که از ناحیه پروردگارت به تو نازل گشته، ابلاغ کن! و اگر نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای! و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند، خدا کافران را هدایت نمی‌کند!»

در این آیه، دو نکته به طور روشن بیان گردیده است:

ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام (۷۳)

- یکی، دستوری است که خدای تعالی به رسول الله صلی الله علیه و آله داده است، البته دستور اکیدی که پشت سرش فشار و تهدید است، به این که پیغام تازه‌ای را به بشر ابلاغ کند! - دومی، وعده‌ای است که خدای تعالی به رسول خود داده است، که او را از خطراتی که در این ابلاغ ممکن است متوجه وی شود، نگهداری کند!

### خطر در ابلاغ آیه ولایت

### خطر در ابلاغ آیه ولایت

از عبارت «وَاللَّهُ يَعْصِي مُمْكًا مِنَ النَّاسِ - خدا تو را از مردم حفظ می‌کند،» (۶۷ / مائده) برمی‌آید که حکمی که این آیه متصدی آن است و رسول الله صلی الله علیه و آله مأمور تبلیغ آن شده، امر مهمی است، که در تبلیغ آن بیم خطر هست، یا بر جان رسول الله صلی الله علیه و آله و یا بر

(۷۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

پیشرفت دینش! حال بررسی می‌کنیم که این چگونه خطری است و از جانب چه کسانی می‌تواند باشد:

### خطر یهود

اوضاع و احوال یهود و نصارای آن روز طوری نبود که از ناحیه آنان خطری متوجه رسول الله صلی الله علیه و آله بشود، تا معجز این باشد، که رسول الله صلی الله علیه و آله دست از کار تبلیغ خود بکشد و یا برای مدتی آن را به تعویق بیندازد و حاجت به این بیفتد که خدای تعالی رسول خود را در صورتی که پیغام تازه را به آنان برساند، وعده حفظ و حراست از خطر دشمنش بدهد؟! علاوه، اگر این خطر چشم زخمی بوده، که احتمالاً ممکن بوده از اهل کتاب به آن خطر در ابلاغ آیه ولایت (۷۵)

حضرت برسد، جا داشت این سوره در اوایل هجرت نازل می‌شد، چه در اول هجرت که رسول الله صلی الله علیه و آله در شهر غربت و در بین عده معدودی از مسلمین آن شهر به سر می‌برد و از چهار طرفش یهودیان او را محصور کرده بودند، آن هم یهودیانی که با حدت و شدت هر چه بیشتر به مبارزه علیه رسول الله صلی الله علیه و آله برخاسته و صحنه‌های خونینی نظیر خیبر و امثال آن را به راه انداخته بودند. لکن نزول این سوره در اواخر عمر شریف آن حضرت اتفاق افتاده است، که همه اهل کتاب از قدرت و عظمت مسلمین در گوشه‌ای غنوده بودند. علاوه بر همه، در این آیه تکلیفی طاقت فرسا به اهل کتاب نشده که از ناحیه آن‌ها خطری متوجه رسول الله صلی الله علیه و آله گردد؟! پس به طور روشن معلوم شد که آیا مورد بحث هیچ‌گونه ارتباطی با اهل کتاب ندارد.

(۷۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### خطر جانی

این امر هر چه هست امری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از تبلیغ آن می‌ترسد و در دل بنا دارد آن را تا یک روز مناسب به تأخیر بیندازد، چه اگر ترس آن جناب و تأخیرش در بین نبود، حاجتی به این تهدید نبود که خداوند متعال بفرماید: «اگر آن را ابلاغ نکنی، رسالت خود را ابلاغ نکرده‌ای!» (۶۷ / مائده)

این چنین تهدیدها حتی در اوایل بعثت دیده نمی‌شود، لذا می‌بینیم رسول الله صلی الله علیه و آله خطرات احتمالی در تبلیغ این حکم پیش بینی می‌کند. آیا این خطر به خطر جانی است برای آن جناب؟ نه! زیرا سیره خود آن جناب و مظاهر زندگی شریفش و آیات قرآنی این احتمال را رد می‌کند.

خطر در ابلاغ آیه ولایت (۷۷)

### خطر تعطیل دعوت دینی

آیا رسول الله صلی الله علیه و آله از این می‌ترسید که خطری متوجه او شود و در نتیجه کار دعوت دین خدا متوقف گردد؟ نه! این حرف صحیحی نیست، زیرا کار دین خدا با مرگ پیامبر در زمین نمی‌ماند!

این احتمال اگر در اول دوره بعثت فرض شود، فرض صحیحی نیست، زیرا در آن موقع هنوز دین تبلیغ نشده است تا



احتمال خطر از بین رفتن آن باشد؟!

اگر این امر یکی از احکام باشد و این حکم حکمی باشد که چنان حایز اهمیت باشد که رسول الله صلی الله علیه و آله از ابلاغ آن و عکس العمل مردم اندیشناک باشد و خداوند هم وعده (۷۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

پشتیبانی دهد، باید حکمی باشد که در اهمیت به درجه‌ای است که تبلیغ نشدنش به منزله تبلیغ نشدن همه احکام دین است! احکام دین با هم فرق دارند، مثلاً نگاه کردن به نامحرم حرام است، ولی شدت حرمت آن به اندازه حرمت زنا محصنه نیست. پس این حکمی که چنان حایز اهمیت است، که رسول الله صلی الله علیه و آله از ابلاغ آن اندیشناک است باید حکمی باشد که دین با نبود آن جسمی است بدون روح، که نه دوامی دارد و نه حس و حرکت و خاصیتی!

و این مطلب به خوبی از آیه استفاده می‌شود و آیه کشف می‌کند که حکم حکمی است که مایه تمامیت دین و استقرار آن است، حکمی است که انتظار می‌رود مردم علیه آن قیام کنند و در نتیجه ورق را برگردانده و آنچه را که رسول الله صلی الله علیه و آله از بنیان دین بنا کرده منهدم و متلاشی سازند و نیز کشف می‌کند از این که رسول الله صلی الله علیه و آله خطر در ابلاغ آیه ولایت (۷۹)

هم این معنی را تفرس می‌کرده و از آن اندیشناک بوده است و لذا در انتظار فرصتی مناسب و محیطی آرام بود که بتواند مطلب را به عموم مسلمین ابلاغ کند، و مسلمین هم آن را بپذیرند، امروز و فردا می‌کرده است و در چنین موقعی این آیه نازل شده است و دستور فوری و اکید به تبلیغ آن حکم داده است.

### تفسیر از کفار یا از مسلمین؟

باید دانست که این انتظار از ناحیه مشرکین و وثیت عرب و سایر کفار نمی‌رفته است، بلکه از ناحیه مسلمین بوده است، زیرا دگرگون ساختن اوضاع و خنثی کردن زحمات رسول الله صلی الله علیه و آله، وقتی از ناحیه کفار متصور است که دعوت اسلامی (۸۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

منتشر نشده باشد، اما پس از انتشار اگر انقلابی فرض شود جز به دست مسلمین تصور ندارد و کارشکنی‌ها و صحنه سازی‌هایی که از طرف کفار تصور دارد همان افترااتی است که در قرآن کریم از اول بعثت تاکنون از آنان نقل شده است. پس اگر خطری بوده (و مسلماً هم بوده) امری بوده که از جهت کیفیت و زمان با گرفتاری‌های فوق‌الذکر منطبق نمی‌شود و وقوعش جز در بعد از هجرت و پای گرفتن دین در مجتمع اسلامی تصور ندارد!

### وضع جامعه و مسلمین آن روز

مجتمع آن روز مسلمین طوری بوده که می‌توان آن را به یک معجون تشبیه کرد.

خطر در ابلاغ آیه ولایت (۸۱)

جامعه آن روز مسلمین مخلوطی بوده از یک عده مردان صالح و مسلمانان حقیقی و یک عده قابل ملاحظه‌ای از منافقین که به ظاهر در سلک مسلمین درآمده بودند و یک عده هم از مردمان بیمار دل و ساده لوح که هر حرفی را از هر کسی باور می‌کردند و قرآن کریم هم بر این چند جور مردم آن روز اشاره صریح دارد و آنان در عین این که به ظاهر و یا واقعا ایمان آورده بودند، رفتارشان با رسول الله صلی الله علیه و آله رفتار رعیت با شاه بوده است و همچنین احکام دینی را هم به نظر قانونی از قوانین ملی و قومی می‌نگریسته‌اند.

بنابراین ممکن بوده تبلیغ بعضی از احکام مردم را به این توهم گرفتار کند که (العیاذ باللّه) رسول الله صلی الله علیه و آله این حکم را از پیش خود تشریح کرده است و از تشریح این حکم سودی عاید آن جناب می‌شود؟! چون جای چنین توهمی بوده که رسول الله صلی الله علیه و آله از اظهار آن اندیشناک بوده است و (۸۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

از همین جهت بوده که خداوند تعالی امر اکید فرموده که بدون هیچ ترسی آن را ابلاغ کند و او را وعده داده که اگر مخالفین در صدد مخالفت برآیند، آن‌ها را هدایت نکند! این مطلبی است که روایات اسلامی از طریق شیعه و سنی آن را تأیید می‌کنند.

### ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام

مضمون روایات اسلامی نشان می‌دهد که این آیه شریفه درباره ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است. در این آیه خداوند متعال رسول الله صلی الله علیه و آله را مأمور تبلیغ آن نموده است. آن جناب از این عمل بیمناک بوده، که مبادا مردم خیال کنند وی از پیش خود پسر عم خود را خطر در ابلاغ آیه ولایت (۸۳)

جانشین قرار داده است و به همین ملاحظه انجام ابلاغ این امر را به انتظار موقعیت مناسب به تأخیر انداخته بود، تا این که آیه فوق نازل شد و ناچار در «غدیر خم» آن را عملی ساخت و در آن جا فرمود: «هر که من مولای اویم، این که علی بن ابیطالب است، مولای اوست!»

### وجوب ولایت و جانشینی

باید دانست همین طور که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله امور امت و رتق و فتق آن به دست آن جناب اداره می‌شد، به طور مسلم و بدون هیچ ابهامی، پس از رحلت وی نیز شخصی لازم است که این امر مهم را عهده‌دار باشد و قطعاً هیچ عاقلی به خود اجازه

(۸۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

نمی‌دهد که توهم کند دینی چنین وسیع و عالمگیر، دینی که از طرف خدای جهان، ابدی و جهانی اعلام و معرفی شده است، دینی که وسعت معارفش جمیع مسائل اعتقادی و همه اصول اخلاقی و احکام فرعی را که تمامی قوانین مربوط به حرکات و سکانات فردی و اجتماعی انسانی را متضمن است، برخلاف سایر قوانین احتیاج به حافظ و کسی ندارد که آن طور که باید و شاید آن را نگهداری کند؟! و یا توهم کند که مجتمع اسلامی استثنا و برخلاف همه مجتمعات انسانی بی‌نیاز از والی و حاکمی است که امور آن را تدبیر و اداره نماید؟! کیست که چنین توهمی را بکند؟

و اگر کرد، جواب کسی را که از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله بپرسد، چه می‌گوید؟ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله سیره‌اش بر این بود که هر وقت به عزم جنگ از شهر بیرون می‌رفت و جواب ولایت و جانشینی (۸۵)

کسی را به جانشینی خود و به منظور اداره امور اجتماعی مسلمین جای خود می‌گذاشت. کما این که علی بن ابیطالب علیه السلام را در جنگ تبوک جانشین خود در مدینه قرار داد.... و علی علیه السلام هم که عشق مفرط به شهادت در راه خدا داشت عرض

کرد:

- آیا مرا خلیفه و جانشین خود در مدینه قرار می‌دهی، با این که در شهر جز زنان و کودکان کسی باقی نمانده است؟ فرمود: - آیا راضی نیستی که نسبت تو به من نسبت هارون باشد به موسی، با این تفاوت که بعد از موسی پیغمبرانی آمدند و پس از من پیغمبری نخواهد آمد؟!

و هم آن حضرت در سایر شهرهایی که آن روز به دست مسلمین درآمده بود، مانند مکه و طائف و یمن و امثال آنها جانشینان و حکامی را نصیب می‌فرمود و نیز بر لشکرها چه کوچک و چه بزرگ که به اطراف می‌فرستادند، به امر او پرچم دارانی می‌گمارند. (۸۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

این بوده است رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در ایام حیات خود و چون فرقی بین آن زمان و زمان پس از رحلت آن جناب نیست، از اینرو باید برای زمان غیبت خود هم فکری بکنند و شخصی را برای اداره امور امت تعیین بفرمایند، بلکه احتیاج مردم به والی در زمان غیبت آن جناب بیشتر است از زمان حضورش، با این حال چگونه می‌توان تصور کرد که آن جناب برای آن روز مردم هیچ فکری نکرده است؟!

### بررسی تحلیلی آیه ولایت

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ، بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...!» (۶۷ / مائده)

بررسی تحلیلی آیه ولایت (۸۷)

در این آیه رسول الله صلی الله علیه و آله با این که دارای القاب زیادی است، به عنوان «رسالت» مورد خطاب قرار گرفته است. دلیل این امر آن است که موضوع آیه گفتگو از «تبلیغ» است و مناسب‌ترین عنوان آن جناب در این مقام همان عنوان «رسالت» است. به کاررفتن این لقب خود اشاره‌ای است به چگونگی حکم، یعنی وجوب تبلیغی که به وسیله همین آیه گوشزد رسول الله صلی الله علیه و آله شده است و می‌فهماند که «رسول» جز انجام «رسالت» و رسانیدن پیغام کاری ندارد و کسی که زیر بار رسالت رفته البته به لوازم آن که همان تبلیغ و رسانیدن پیغام است، قیام می‌کند.

### چرا ذکر آیه صریح نیست؟

(۸۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

در این آیه، از خود آن مطلبی که باید تبلیغ شود، اسم نبرده است، تا هم به عظمت آن اشاره کرده باشد و هم به آن چیزی که لقب «رسالت» بدان اشاره داشت، اشاره کند - یعنی بفهماند که این مطلب امری است که رسول الله صلی الله علیه و آله در آن هیچ گونه اختیاری ندارد!

بنابراین در آیه شریفه دو برهان برای سلب اختیار رسول الله صلی الله علیه و آله در تبلیغ کردن و یا تأخیر در تبلیغ اقامه شده است: یکی تعبیر از آن جناب به عنوان «رسول» و دیگری عدم ذکر «اصل مطلب»!

در عین حال که این دو امر دوبرهان است، دو عذر قاطع هم هست برای رسول الله صلی الله علیه و آله در جرأتش بر اظهار مطلب و علنی ساختن آن برای عموم و در عین حال تصدیق فراست

چرا ذکر آیه صریح نیست؟ (۸۹)

رسول الله صلی الله علیه و آله هم هست - یعنی می‌فهماند که رسول الله صلی الله علیه و آله درست فراست کرده و در احساس خطر مصیب بوده است؛ و می‌رساند که مطلب از مسائلی است که رسول الله صلی الله علیه و آله زنده است، باید به زبان مبارک

خودش به مردم ابلاغ شود و کسی در ایفای این وظیفه جای خود آن جناب را نمی‌گیرد!

## اهمیت موضوع ولایت

خداوند متعال رسول گرامی خود را تهدید می‌فرماید که:

- اگر این مطلب را ابلاغ نکنی، رسالت خود را انجام نداده‌ای! منظور از «رسالت» مجموع آن وظایفی است که رسول الله صلی الله علیه و آله به دوش گرفته بود.

(۹۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

از لحن آیه اهمیت و عظمت آن حکمی که بدان اشاره کرده، استفاده می‌شود و فهمیده می‌شود که حکم نامبرده حکمی است که اگر تبلیغ نشود، مثل این است که هیچ چیز از رسالتی را که به عهده گرفته است، تبلیغ نکرده باشد! بنابراین می‌توان گفت: گرچه کلام صورت تهدید دارد، لکن در حقیقت در صدد بیان اهمیت مطلب است و می‌خواهد بفهماند مطلب این قدر مهم است که اگر در حق آن کوتاهی شود حق چیزی از اجزای دین رعایت و ادا نشده است.

## رسول الله صلی الله علیه و آله از چه شری محافظت می‌شود؟

آیه می‌فرماید:

رسول الله صلی الله علیه و آله از چه شری محافظت می‌شود؟ (۹۱)

- «خداوند تو را از مردم نگه می‌دارد!» (۶۷ / مائده)

کلمه «يُحِصِيكُمْ» در آیه مورد بحث ظاهرش این است که به معنی نگهداری و حفاظت از شر مردم باشد، شری که انتظار می‌رفته متوجه نفس شریف رسول الله صلی الله علیه و آله شود و یا مانع مقاصد و هدف‌های مقدس دینش و یا موفقیت در تبلیغش و یا به نتیجه رسیدن زحماتش و خلاصه آن چه مناسب ساحت مقدس اوست، بشود.

این که نگهداری از شر مردم را معلق گذاشت و بیان نفرمود که آن چه شری است و مربوط به چه شأنی از شئون مردم است؟ آیا از قبیل کشتن و مسموم کردن و غافلگیر ساختن است؟ یا مقصود آزارهای روحی از قبیل دشنام و افتراست؟ یا از قبیل کارشکنی و به کار بردن مکر و خدعه است؟ و خلاصه از بیان نوع شکنجه و آزار مردم سکوت کرد تا افاده عموم کند و همه انواع آزارها را شامل شود و لکن از همه بیشتر همان

(۹۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

کارشکنی‌ها و اقداماتی به ذهن می‌رسد که باعث سقوط دین و کاستن از رونق و نفوذ آن شود.

## ترس از کدام مردم؟

در آیه مورد بحث مراد از «ناس - مردم» بعید نیست که «سواد مسلمین» (۱) باشد، سوادى که همه رقم اشخاص از مؤمن و منافق و بیمار دل به طور غیر متمایز و آمیخته با هم در آن وجود دارند. بنابراین اگر کسی از چنین سوادى بیمناک باشد از همه اشخاص آن بیمناک خواهد بود. چه بسا جمله «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۶۷ / مائده) هم آمیختگی و عمومیت و بی‌نشانی را برساند، زیرا معلوم می‌شود کسانی از کفار بی نام

۱- عموم مسلمانان (بیستونی).

ترس از کدام مردم؟ (۹۳)

و نشان در لباس مسلمین و در بین آن‌ها بوده‌اند و این هیچ استبعادی ندارد، زیرا آیه مورد بحث بعد از هجرت و در ایامی نازل شده است که اسلام شوکتی به خود گرفته و جمعیتی انبوه به آن گرویده بودند؛ و معلوم است که در چنین ایامی صرف نظر از این که مسلمانان واقعی انگشت شمار بودند؛ سواد مسلمین سواد عظیمی بوده و ممکن بوده است کسانی از کفار خود را در بین آن‌ها و به عنوان مسلمان جا بزنند و عملیات خصمانه و کارشکنی‌های خود را به سهولت انجام دهند و لذا می‌بینیم خداوند تعالی در مقام تعلیل آیه «خدا تو را از مردم حفظ می‌کند!» می‌فرماید: «خداوند قوم کافرین را هدایت نمی‌کند!» چه بعد از این که وعده حفاظت به رسول گرامی خود می‌دهد، مخالفین را کفار می‌خواند!

- در این جا این سؤال پیش می‌آید که همان طور که از آیه مورد بحث استفاده

(۹۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

می‌شود، آیا خداوند رسول خود را از شر کفار حفظ فرمود؟ و اگر چنین است پس آن همه آزار و محنت‌ها که از کفار و از امت خود دید چه بود؟

- سؤال بعدی این است که آیه می‌فرماید: «خداوند کفار را هدایت نمی‌کند!» آیا این جمله منافی قرآن و عقل نیست؟ آیا جز این است که ما به چشم خود می‌بینیم که خداوند کفار را یکی پس از دیگری هدایت می‌کند؟! جواب سؤال اول این است که:

- خداوند با تعلیل آخر آیه عملاً عمومیت این «حفظ» را مقید به مشکلات و آزار و شری کرده که ممکن بود رسول الله صلی الله علیه و آله در قبال تبلیغ این حکم ببیند و ارتباطی با عموم ترس از کدام مردم؟ (۹۵)

آزارهایی که رسول الله صلی الله علیه و آله قبلاً دیده، ندارد!

حالا این شر به چه صورتی ناشی می‌شد، فرق نمی‌کند، اعم از این که احتمال داشت آن جناب را در حین تبلیغ حکم به قتل برسانند و یا بر او شورش کرده و اوضاع را دگرگون سازند، یا حيله و سیاست‌هایی به کار ببرند که این حکم را قبل از این که به مرحله عمل برسد، خفه کنند؟ و لکن خدای تعالی کلمه حق و دین مبین را بر هر چه بخواهد و هر کجا و هر وقت و هر کس که بخواهد اقامه و اظهار می‌نماید!

جواب سؤال دوم این است که:

- باید دانست که مقصود از «کفر» در این جا کفر به خصوص آیه‌ای است که

(۹۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

متضمن حکم مورد بحث است، یعنی - آن چه از پروردگارت به تو نازل شده - اشاره به آن حکم است، نه کفری که به معنی استکبار از اصل دین و از اقرار به شهادتین است، زیرا کفر به این معنی یا مورد آیه مناسبت ندارد!

بنابراین، وقتی خدای تعالی می‌فرماید - این کفار را هدایت نمی‌کند - منظور هدایت به راه راست نیست، بلکه مراد «هدایت به مقاصد شوم»، آن‌ها است و معنی‌اش این است که: خداوند ابزار کار و اسباب موفقیت را در دسترس آنان قرار نمی‌دهد! خداوند آن‌ها را مطلق العنان نمی‌گذارد تا هر لطمه که بخواهند به دین و به کلمه حق وارد آورند و نوری را که از جلب خود نازل کرده، خاموش سازند!

### چگونگی ابلاغ ولایت در روایات اسلامی

چگونگی ابلاغ ولایت در روایات اسلامی (۹۷)

در روایات اسلامی نقل شده که خدای تعالی نبی اکرم خود محمد صلی الله علیه و آله را مأمور کرد که علی علیه السلام را به عنوان علمیت در بین مردم نصب کند و مردم را به ولایت او آگاهی دهد؛ و از همین جهت رسول الله صلی الله علیه و آله ترسید مردم متهمش کنند و زبان به طعنش بکشایند و بگویند که در بین همه مسلمانان علی را نامزد این منصب کرده است، لذا خدای تعالی این آیه را فرو فرستاد و ناگزیر رسول الله صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم به امر ولایتعهدی علی علیه السلام قیام نمود.

(این روایت در تفسیر عیاشی از ابی صالح از ابن عباس و جابر بن عبد الله نقل شده است)

و تفصیل این ابلاغ را از قول امام ابی جعفر علیه السلام چنین روایت کرده است: - وقتی که جبرئیل در حیات رسول الله صلی الله علیه و آله در حجة الوداع برای اعلام ولایت علی (۹۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

علیه السلام نازل شد و این آیه را فرود آورد، رسول الله صلی الله علیه و آله سه روز در انجام آن مکث کرد تا رسید به «جحفه» و در این سه روز از ترس مردم دست علی را نگرفت و او را بالای دست خود بلند نکرد، تا این که در روز غدیر، در محلی که آن را «مهیعه» می گفتند، بار گرفته و پیاده شد و آن گاه دستور داد بانگ نماز در داده و مردم را به نماز دعوت کنند. مردم برحسب معمول اجتماع کردند، و رسول الله صلی الله علیه و آله در برابرشان قرار گرفت و فرمود:

- چه کسی از خود شما بر شما اولویت دارد؟ همه بانگ بلند عرض کردند: - خدا و رسول او! آن گاه بار دیگر همین کلام را تکرار فرمود و همه همان جواب را دادند. بار سوم نیز همان را پرسید و همان جواب را شنید و آن گاه دست علی را گرفته و فرمود: - هر که من مولای اویم، علی مولای اوست! - پروردگارا! دوست بدار

چگونگی ابلاغ ولایت در روایات اسلامی (۹۹)

دوستان علی را! - و دشمن بدار کسی را که با علی دشمنی کند! - یاری کن هر که را به علی یاری دهد! - و تنها بگذار کسی را که در موقع حاجت علی را تنها بگذارد! - چون که علی از من و من از علی هستم! - علی نسبت به من به منزله هارون است نسبت به موسی، با این تفاوت که بعد از موسی پیامبرانی بودند و پس از من پیغمبری نخواهد آمد!

## حدیث غدیر

اخبار زیادی است که دلالت دارد آیه مورد بحث درباره علی علیه السلام در روز غدیر خم نازل شده است.

(۱۰۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

«حدیث غدیر» یعنی فرمایشی را که رسول الله صلی الله علیه و آله آن روز درباره علی علیه السلام فرمود، خود حدیثی است متواتر که هم از طریق شیعه و هم از طریق اهل سنت به بیشتر از صد طریق و از جمع کثیری از صحابه نقل شده است، از آن جمله: براء ابن عازب - زید بن ارقم - ابو ایوب انصاری - عمر بن خطاب - علی بن ابیطالب - سلمان فارسی - ابوذر غفاری - عمار یاسر - بریده - سعد بن ابی وقاص - عبدالله بن عباس - ابو هریره - جابر بن عبدالله - ابو سعید خدری - انس بن مالک - عمران بن حصین - ابن ابی اوفی - سعدانه - همسر زید بن ارقم....

به علاوه این که همه امامان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله بر صحت آن اجماع دارند! احمد بن حنبل و بسیاری دیگر روایت را این طور نقل کرده اند که:

- «رسول الله فرمود: أَيُّهَا النَّاسُ أَيَا مَكْرٍ مَعْتَقِدٍ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»

حدیث غدیر (۱۰۱)

آن‌ها؟ گفتند: چرا؟ فرمود: - هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست!

کتاب‌های بسیاری در خصوص این یک حدیث و به دست آوردن عده طرق روایتی آن و بحث درباره متن آن، چه به قلم علمای اهل سنت و چه به قلم علمای شیعه تألیف شده است که به قدر کفایت در آن‌ها درباره این حدیث شریف بحث شده است. (در عصر اخیر، بزرگترین تحقیق در این زمینه به وسیله مرحوم علامه امینی، در سلسله مجلدات معروف به «الغدیر» تألیف یافته است که در آن‌ها سعی شده از منابع اهل سنت، روایات مربوط به این حدیث شریف و واقعه تاریخی مهم صدر اسلام، جمع آوری شود.) (۱)

۱- المیزان ج: ۱۱، ص: ۷۰.

(۱۰۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### معرفی ولایت علی علیه السلام در آیات و روایات

«إِنَّمَا وَدَّعْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ!» (۵۵/مائده)

یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسائل تاریخی اسلام مسئله جانشینی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به وسیله امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ولایت آن حضرت می‌باشد.

معرفی ولایت علی علیه السلام در آیات و روایات (۱۰۳)

این موضوع غیر از حکومت ظاهری آن حضرت بعد از مرگ عثمان است بلکه مربوط به زمانی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قبل از رحلت خود، جانشین خود را معرفی کرده و خداوند تعالی نیز در قرآن در آیات فوق آن را تأیید فرموده است، روایات راجع به ولایت در تاریخ اسلام مضبوط است.

آیه قرآن شریف ولایت آن حضرت را چنین معرفی می‌کند:

- «جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و آنان که ایمان آورده‌اند، همان ایمان آورندگان که اقامه نماز و اداء زکات می‌کنند، در حالی که در رکوع نمازند. و کسی که خدا و رسولش و این مؤمنین را دوست بدارد، در حزب خدا، که البته سرانجام غلبه با آن‌هاست، وارد شده است.» (۵۵ و ۵۶ / مائده)

در قرآن مجید آیات زیادی وجود دارد که ولایت تکوینی و تشریحی برای خدای

(۱۰۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

متعال ثابت می‌کند. مفهوم این ولایت یک نحوه قربی است که باعث و مجوز نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود.

آیات قرآنی ولایت تشریحی خدا را به رسول او نیز استناد می‌دهد و در آیه مورد بحث همان را برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ثابت می‌کند.

آیات ولایت، قیام به تشریح و دعوت به دین و تربیت امت و حکومت بین آنان و قضاوت در امور آنان را از شئون و مناسب رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند، تا جائی که در آیه ۳۶ سوره احزاب می‌فرماید:

«وقتی خدا و رسولش در کاری حکم و فرمانی صادر می‌کنند، هیچ مؤمن یا مؤمنه‌ای اختیار در امر خود را ندارند!»

همان گونه که بر مردم اطاعت خدای تعالی واجب است، اطاعت رسول او نیز

معرفی ولایت علی علیه السلام در آیات و روایات (۱۰۵)

بدون قید و شرط واجب است. آیاتی نیز وجود دارد که همین ولایتی را که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت می‌کرد، برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز ثابت می‌کند.

از این آیات یکی همین آیه مورد بحث است که بعد از اثبات ولایت تشریح برای خدا و رسول با (و او عطف) عنوان «وَالَّذِينَ آمَنُوا»



را که جز بر امیرالمؤمنین علیه السلام منطبق نیست، به آن دو عطف نموده و به یک سیاق این سنخ ولایت را که در هر سه مورد ولایت واحده‌ای است، برای پروردگار متعال، البته به طور اصالت و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به طور تبعیت و به اذن خدای تعالی ثابت می‌کند.

حال بررسی خلاصه‌ای می‌کنیم از روایات بسیار زیادی که در این زمینه وارد شده است. و قبل از نقل خلاصه روایت تذکر می‌دهیم که روایات راجع به این که دو آیه مزبور درباره داستان «انگشتر به صدقه دادن علی علیه السلام» نازل شده، بسیار است. با این که (۱۰۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت درباره کیفیت وقوع حادثه اختلاف دارند، اما روایت کنندگان آن در مرحله اول از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و بعد امامان اهل بیت و مفسرین می‌باشد، از جمله -  
از صحابه:

اباذر غفاری عبدالله ابن عباس انس ابن مالک عمـار  
جابر سلمه بن کهیل ابی رافع عمرو بن عاص  
از امامان اهل بیت:

حضرت امام حسین علیه السلام حضرت امام سجاد علی بن حسین علیه السلام  
حضرت امام باقر محمد بن علی علیه السلام حضرت امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام  
حضرت امام هادی علی بن محمد علیه السلام  
از ائمه تفسیر:

معرفی ولایت علی علیه السلام در آیات و روایات (۱۰۷)

- احمد، نسائی، طبری، طبرانی، عبد بن حمید و غیر ایشان از حفاظ و ائمه حدیث و متکلمین که همه صدور این روایات را از ناحیه مقدس رسالت صلی الله علیه و آله مسلم دانسته‌اند و هیچ یک در آن‌ها خدشه نکرده‌اند.  
- فقها در بحث نماز، روایات مزبور را با آیه شریفه منطبق دانسته‌اند.

- عموم علمای ادب و مفسرینی که در تفسیر قرآن بیشتر متعرض جهات ادبی قرآنند، یا این که بیشترشان از بزرگان و ائمه اهل ادبند، مانند: زمخشری صاحب «کشاف» و ابوحیان، که این انطباق را پذیرفته‌اند.

و هیچ یک از ناقلین این روایات با این که همه عرب و اهل زبان بوده‌اند در این انطباق مناقشه و ایراد نکرده‌اند.  
روایت ابن عباس:

(۱۰۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

- از ابن عباس نقل شده که گفت روزی علی علیه السلام در حال رکوع بود که مسکینی نزدش آمد و آن جناب انگشتری خود را به وی داد پس از آن رسول الله صلی الله علیه و آله از سائل پرسید: چه کسی این انگشتر را به تو داد! عرض کرد: این مردی که در رکوع است! دنبال این ماجرا این آیه نازل شد.

«جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و آنان که ایمان آورده‌اند، همان ایمان آورندگان که اقامه نماز و اداء زکات می‌کنند، در حالی که در رکوع نمازند!» (۵۵ / مائده)

(روایت فوق به دلیل خلاصه بودن آن در این زمینه نقل شد، برای مطالعه مفصل این روایات رجوع شود به المیزان ج: ۱۱، ص: ۲۸ به بعد) (۱)



معرفی ولایت علی علیه السلام در آیات و روایات (۱۰۹)

### تعریف اولی الامر در قرآن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...!» (نساء / ۵۹)

قرآن شریف می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید - فرمان بریده خدا را و فرمان برید رسول او را! و صاحبان امر را از خودتان! پس اگر در چیزی نزاع داشتید، پس به "خدا" و "رسول" مراجعه کنید، اگر ایمان آورده‌اید به خدا و روز رستاخیز! این بهتر و نیکوتر

(۱۱۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

تأویلی است برای شما!

### مفهوم اطاعت از خدا و رسول

جای شک نیست که آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ...» مقدمه‌ای برای امر به حواله کار و رجوع در دعاوی به خدا و رسول است، گرچه مضمونش اساس همه شرایع و احکام آسمانی می باشد. شکی نیست در این که خداوند از اطاعت خود قصدی جز اطاعت احکام تشریحی اش که به وسیله وحی در معارف و شرایع فرستاده، ندارد.

اما، رسول وی نیز دارای دو جنبه است:

- جنبه تشریح و رساندن آن چه بدون کتاب به وی وحی شده است،

مفهوم اطاعت از خدا و رسول (۱۱۱)

که به تفصیل آن چه را که در قرآن مجمل و خلاصه است و هر آن چه بدان مرتبط است، برای مردم بیان بفرماید.

- حکومت و قضاوت آن حضرت، و آن چه را رأی صواب بدانند.

این همان رأیی است که حضرت به ظاهر قوانین بین مردم قضاوت می فرمود و در کارهای مشکل حکم می کرد - لَتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ! (نساء / ۱۰۵)

در این جا است که خداوند او را به مشاوره امر فرموده - وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ! - که او را در مشورت با مردم شریک، ولی در تصمیم گیری و قصد و عزم یکتا ساخته است. (۱۵۹/آل عمران)

از این جا معلوم می شود که «اطاعت خدا» و «اطاعت رسول» با هم فرق دارند،

(۱۱۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

گرچه اطاعت رسول در حقیقت اطاعت خدا نیز می باشد زیرا اطاعت او را خدا واجب ساخته است - وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ! - یعنی مردم باید بیان وحی و رأی او را در کارها اطاعت کنند. (۶۴ / نساء)

### مفهوم اطاعت اولی الامر

اولی الامر هر کس و به هر معنا که باشند از وحی نصیبی ندارند، بلکه شأن آنان دادن رأی مقبول است، زیرا که مانند پیغمبر واجب الاطاع در رأی و قول هستند و لذا وقتی وجوب رجوع و تسلیم در مشاجرات است، فقط از خدا و رسول وی نام می برد نه از ایشان و می فرماید - «پس اگر در چیزی نزاع داشتید پس به خدا و رسول

مفهوم اطاعت اولی الامر (۱۱۳)

مراجعه دهيد، اگر به خدا و روز رستاخيز ايمان آورده ايد...!» (۵۹ / نساء)

البته تنازع فقط بين خود مؤمنين مورد نظر است و اطاعت در رأی شخصی آنها نيست، بلکه در حکم خدائي است که مورد نزاع می باشد، به قرينه آيات بعد از آن، که مذمت کسانی را می کند که به حکم طاغوت رجوع می نمایند، نه به حکم خدا و رسول و اين حکم بايد به احکام دين مابين اسلام، که در قرآن و حديث هست برگردد.

قرآن و احاديث هم برای کسی که آنها را می فهمند دو حجت قطعی در کار دينند و گفتن اولی الامر که قرآن و احاديث اين چنین حکم می کنند، نیز حجت قاطع است، زیرا آيه و جوب اطاعت آنها را بدون هيچ قيد و شرطی بر ما گذاشته و همه اين ها بالاخره به قرآن و حديث برمی گردد.

از اين جا معلوم می شود که اولی الامر - هر کس که باشند - نمی توانند حکم جديدی

(۱۱۴) جانشين رسول الله صلى الله عليه وآله و اهل بيت نبوت

وضع کنند و نمی توانند حکم ثابت در کتاب، و يا سنتی را، نسخ نمایند و گرنه و جوب رجوع در موقع نزاع به کتاب و سنت و خدا و رسول معنائی نداشت.

فقط اولی الامر می توانند در موارد نفوذ ولايتشان اظهار رأی نمایند و در قضايا و موضوعات عامه از حکم خدا و رسول پرده بردارند.

با اين که در آيه، بين رسول و اولی الامر را جمع کرده و برای هر دو با هم يك اطاعت خواسته، برای رسول که امر به معصيت خدا يا اشتباه در حکم محال است، اگر در اولی الامر محال نبود، چاره‌ای نبود جز آن که قيد آن را ذکر نماید و چون قيد ذکر نشده است، پس آيه مطلق است و لازمه اش آن است که در اولی الامر هم عصمت قائل شويم و همان طور که در پيغمبر صلى الله عليه وآله قائليم، بدون هيچ فرقی!

معنی «امر» در کلمه اولی الامر، شأن مربوط به دين يا دنياي مؤمنين مورد خطاب

مفهوم اطاعت اولی الامر (۱۱۵)

است. مراد از «أولى الأمر» افرادی از اين امتند که در اقوال خود معصومند و اطاعتشان واجب و شناسائی شان هم محتاج به تصريح خداوند متعال يا رسول وی صلى الله عليه وآله می باشد و اين فقط با رواياتی که از ائمه اهل بيت رسیده، که خود را اولی الامر معرفی می کنند، تطبيق می کند!

اما اين سخن که «أولى الأمر» عبارتند از خلفای راشدين يا امراء و علماء و غيره که آراء و اقوالشان مورد قبول باشد، دو جواب دارد: - اين که آيه دلالت بر عصمت اولی الامر می کند و بدون شك در اين طبقات معصوم وجود ندارد، مگر در اعتقاد اماميه نسبت به خصوص حضرت علی عليه السلام،

- اين که هيچ يك از سه نظر دلیلی ندارند!

اما اشکالی که بر اولی الامر بودن اهل بيت عصمت وارد کرده اند، یکی اين

(۱۱۶) جانشين رسول الله صلى الله عليه وآله و اهل بيت نبوت

است که اين امر محتاج تصريح خدا و رسول است، جواب آن است که اين مطلب در قرآن و روايات هر دو تصريح شده است! مثل آيه ولايت، آيه تطهير و امثال آن و مثل حديث سفينه و حديث ثقلين و ساير احاديث مربوط به اولی الامر، که از طرق شيعه و سنی رسیده است!

(اشکالات ديگری نیز وارد کرده اند که در اين باره به مفصل آن در الميزان مراجعه شود، که جواب های لازم نیز در هر مورد داده شده است.)

نتیجه مطلب این می‌شود که مراد به «أولی الامر» در آیه فوق، مردانی از ملت اسلام هستند که حکم هریک در عصمت حکم پیغمبر است! در روایات اسلامی، در تفسیر برهان، ابن بابویه از جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند:  
وقتی آیه فوق بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد، گفتم:  
مفهوم اطاعت اولی الامر (۱۱۷)

- یا رسول الله صلی الله علیه و آله خدا و تو را شناختیم اولی الامر که خداوند اطاعتشان را همراه اطاعت تو قرار داد، چه کسانی هستند؟ فرمود: «- آنان جانشینان منند، ای جابر! و پیشوایان مسلمین پس از من! اول ایشان علی بن ابیطالب است! و پس از وی حسن و حسین و علی بن حسین و فرزند علی، محمد معروف در تورات به «باقر» که تو او را خواهی دید! وقتی دیدی سلام مرا به او برسان!  
و سپس صادق جعفر بن محمد و بعد موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد و حسن بن علی و بعد، همام و هم کنیه من، که حجت خدا و بقیه او در روی زمین و نزد بندگان است و او فرزند حسن بن علی است، که خدا به دست وی مشرق و مغرب زمین را خواهد گشود و کسی است که از شیعیان و دوستان خود پنهان خواهد بود و به امامت وی کسی پابرجا نخواهد ماند مگر آن کس که خدا قلبش را به ایمان آزموده باشد!»

(۱۱۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

جابر می‌گوید، پرسیدم:

- یا رسول الله صلی الله علیه و آله آیا شیعه در غیبت او از وی استفاده خواهند برد؟ فرمود: «- آری! سوگند به کسی که مرا به پیامبری فرستاده، از نور او روشنائی می‌گیرند و از ولایت وی در غیبتش منتفع می‌شوند، مانند استفاده مردم از نور خورشید، گرچه ابر آن را بپوشاند! - ای جابر! این از اسرار مخفی خداوند است و از غیر اهلش پنهان ساز!» (۱)

### جانشینان پیامبران، محافظین دین الهی

«فَأَنْ يَكْفُرُ بِهَا هُوَ لَا آءٍ فَفَقَدَ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ!» (انعام / ۸۹)

۱- المیزان ج: ۸، ص: ۲۳۵.

جانشینان پیامبران، محافظین دین الهی (۱۱۹)

آیه شریفه دلالت می‌کند بر این که خدای تعالی را در هر زمانی بنده‌ای و یا بندگان هستند که موکل بر هدایت الهیه اویند و دین او و آن طریقه مستقیمی را که کتاب و حکم و نبوت انبیاء علیهم السلام متضمن آن است، حفظ می‌کنند و آن را از انقراض نگهداری می‌نمایند!

این بندگان کسانی هستند که شرک و ظلم به آنها راه ندارد و آنها به عصمتی الهی معصومند و این گروه عبارتند از: انبیاء و جانشینان آنها!

از این روی آیه شریفه مخصوص به معصومین علیهم السلام خواهد بود و یا خیلی هم که بتوانیم آن را توسعه دهیم، ممکن است مؤمنین صالح و آن پارسایانی را که به عصمت تقوی و صلاح و ایمان خالص از شوائب شرک و ظلم معتصمند و خلاصه آن کسانی را که از ولایت شیطان بیرون شده‌اند، ملحق به اوصیاء انبیاء علیهم السلام نموده و بگوئیم آیه

(۱۲۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

شریفه شامل این گونه از مردان صالح نیز می‌شود.

این اشخاص مردمی هستند که تصور نمی‌شود روزی کفر یا شرک در دل آنان رخنه کند، چون خدای تعالی به ایمان آنان اعتماد کرده و ایشان را موکل بر حفظ دین نموده است. فرموده:

- من کسانی را موکل و مستحفظ آن کرده‌ام که اعتماد و اطمینان دارم نسبت به آن کافر نیستند و با این که چنین اشخاصی نگهبان دین منند، هیچ وقت این دین از بین نمی‌رود! (۱)

۱- المیزان ج: ۱۴، ص: ۸۶.

(۱۲۱)

## فصل سوم: همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و ازدواج‌های او

### طبقات مجاز و غیر مجاز برای همسری پیامبر

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي...» (۵۰ / سوره احزاب)

خدای سبحان در این آیات برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان می‌فرماید که از زنان آن چه

(۱۲۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

من حلال کرده‌ام هفت طایفه‌اند:

طایفه اول - آن‌هایی که مهریه‌هایشان را داده‌ای،

طایفه دوم - کنیزانی که به عنوان غنیمت و در جنگ‌ها خدا در اختیار شما قرار داد،

طایفه سوم و چهارم - از زنانی که حلالند و می‌توان با آنان ازدواج کرد، عبارتند از: دختر عموها و دختر عمه‌ها،

طایفه پنجم و ششم - دختران دایی و دختران خاله،

خداوند متعال در این مرحله ازدواج با گروه فوق‌الذکر را مشروط کرده به این که (آن‌هایی که با تو هجرت کرده‌اند)، یعنی زنان

نامبرده به شرطی بر تو حلالند که با تو هجرت کرده باشند و گرنه ازدواج تو با آنان حرام است. (البته، به طوری

طبقات مجاز و غیر مجاز برای همسری پیامبر (۱۲۳)

که در مجمع‌البیان گفته: این مربوط به قبل از حلال شدن غیر مهاجرات است و آیه بالا بعداً نسخ شده است!)

طایفه هفتم - از زنانی که آن جناب می‌توانسته با آنان ازدواج کند، زن مؤمنی است که خود را به رسول الله صلی الله علیه و آله هبه

کند و ببخشد و آن جناب هم بخواهد با او ازدواج کند، که خداوند تعالی چنین زنی را که بخواهد بدون مهریه خود را در اختیار

آن جناب بگذارد، برای آن جناب حلال کرده است و اگر بخواهد می‌تواند با او ازدواج کند.

قرآن می‌فرماید: این حکم، یعنی حلال شدن زنی برای مردی به صرف این که خود را به او ببخشد، از خصایصی است که مختص

آن جناب می‌باشد و در مؤمنین جریان ندارد! ضمناً اجازه می‌دهد که آن جناب مخیر باشد در رد یا قبول چنین پیشنهادی و حتی

اگر یکی از آن زن‌هایی را که خود را به او بخشیده، رد کند و دوباره بخواهد بپذیرد، منعی نیست، نه گناهی دارد و نه سرزنشی!

قرآن می‌فرماید:

(۱۲۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

«بعد از آنان، دیگر هیچ زنی برایت حلال نیست و نیز حلال نیست که همسرانت را به همسری دیگر مبدل کنی، هر چند که حسن او تو

را به شگفت آورد، مگر کنیزکان؛ که خدا بر همه چیز مراقب است!» (۵۲ / احزاب)

این آیه را به دو نوع معنا کرده‌اند که - به فرض اول آیه ارتباطی با طایفه‌هایی از زنان که در بالا - شمرد نداشته باشد و در آن

صورت زنان را بر آن جناب حرام می‌کند مگر آن زنی را که آن جناب مختارش کند و او خدا را اختیار کند. این که فرمود: جایز

نیست زنان را عوض کنی، خود مؤید این احتمال است. - فرض دوم این است که آیه ارتباط به آیه ماقبل داشته باشد، که در آن

صورت مفادش تحریم ماسوای شش طایفه‌ای است که قبلاً شمرد. (۱)

طبقات مجاز و غیرمجاز برای همسری پیامبر (۱۲۵)

### شرایط همسری با رسول الله صلی الله علیه و آله

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ...»

«ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهید بیائید تا چیزی از دنیا به شما بدهم و رهایتان سازم، طلاق‌ی نیکو و بی سر و صدا! - و اگر خدا و رسول او و خانه آخرت را می‌خواهید، بدانید که خدا برای نیکوکاران از شما اجری عظیم تهیه دیده است! - ای زنان پیامبر! هر یک از شما گناه کبیره آشکاری

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۲۱۶.

(۱۲۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

را انجام دهد، عذابش دو چندان خواهد بود، و این بر خدا آسان است! و هر یک از شما برای خدا و رسولش مطیع شود و عمل صالح انجام دهد، اجر او نیز دو چندان داده می‌شود و مابرایش رزقی آبرومند، فراهم کرده‌ایم...!» (۲۸ تا ۳۵ / احزاب)

این آیات مربوط است به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله که دستور می‌دهد:

اولاً، به ایشان تذکر دهد که از دنیا و زینت آن جز عفت و رزق کفاف بهره‌ای ندارند، البته این در صورتی است که بخواهند همسر او باشند و گرنه مانند سایر مردمند.

سپس، ایشان را خطاب می‌کند که متوجه باشند در چه موقفی دشوار قرار گرفته‌اند و به خاطر افتخاری که نصیبشان شده، چه شادایی را باید تحمل کنند! پس اگر از خدا بترسند خداوند اجر دو چندانشان می‌دهد و اگر هم عمل زشتی مرتکب

شرایط همسری با رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۲۷)

شوند، عذابشان نزد خداوند اجر دو چندان خواهد بود!

آن‌گاه ایشان را امر می‌کند به عفت و این که ملازم خانه خود باشند و چون سایر زنان خود را به نامحرم نشان ندهند و نماز بگذارند و زکات دهند و از آن‌چه در خانه‌هایشان نازل و تلاوت می‌شود، از آیات قرآنی و حکمت آسمانی، یاد کنند و در آخر، عموم صالحان، چه از مردان و چه از زنان را وعده مغفرت و اجر عظیم می‌دهد.

### امتیاز همسران پیامبر و شرایط رفتار و گفتار آن‌ها

خدای تعالی می‌فرماید:

«ای زنان پیامبر! شما مثل احدی از سایر زنان نیستید، البته اگر تقوی پیشه

(۱۲۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

سازید! پس در صحبت کردن دلربائی مکنید که بیمار دل به طمع افتد! و سخن نیکو گوئید! و در خانه‌های خود بنشینید! و چون زنان جاهلیت اولیه خود نمائی مکنید! و نماز را بپا دارید، و زکات را بدهید! و خدا و رسولش را اطاعت کنید! خدا جز این منظور ندارد که پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را تطهیر کند! و آن‌چه در خانه‌های شما از آیات خدا و حکمت که تلاوت می‌شود، به یاد آرید! که خدا همواره دارای لطف بوده و با خبر است!» (۳۲ تا ۳۴ / احزاب)

این آیات برابری زنان پیامبر با سایر زنان را نفی می‌کند و می‌فرماید که آن‌ها با سایر زنان یکی نیستند، اگر تقوی به خرج دهند مقام آن‌ها را به همان شرطی که گفته شد بالا می‌برد و آن‌گاه از پاره‌ای کارها نهی و به پاره‌ای از کارها امر می‌کند، امر و نهی

که متفرع بر برابر نبودن آنان با سایر زنان است، می‌فرماید:

امتیاز همسران پیامبر و شرایط رفتار و گفتار آن‌ها (۱۲۹)

- در سخن خضوع مکنید، و چون بعضی زنان آهنگ صدا را فریبنده نسازید و در خانه‌های خود بنشینید و کرشمه و ناز مکنید...!

با این که این امور بین زنان پیغمبر و سایر زنان مشترک است.

پس از این جا می‌فهمیم که آوردن جمله «شما مثل سایر زنان نیستید»، برای تأکید است و می‌خواهد این تکالیف را بر آنان تأکید کند و مثل این که بگوید: واجب است در امتثال این تکالیف کوشش و رعایت بیشتری بکنید و در دین خدا بیشتر از سایر زنان احتیاط به خرج دهید. دلیل سخت‌تر بودن تکالیف آنان نیز روشن است، زیرا به آنان دو برابر پاداش یا کیفر معین می‌کند و لذا معقول نیست تکالیف یکسان باشد و پاداش و کیفر مضاعف!

(۱۳۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### محدودیت رفتارهای اجتماعی همسران پیامبر

بعد از آن که علو مقام و رفعت منزلت همسران رسول الله صلی الله علیه و آله را به خاطر انتسابشان به آن جناب بیان فرمود و این علو مقامشان را مشروط به تقوی نمود و فرمود که فضیلت آنان به خاطر اتصالشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست، بلکه به خاطر تقوی است، اینک در ادامه آیه ایشان را از خضوع در کلام نهی می‌کند.

خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا دل طرف را دچار ریه و خیال‌های شیطانی کرده و شهوت او را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است، به طمع بیفتد!

منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است و آن نیروئی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد.

محدودیت رفتارهای اجتماعی همسران پیامبر (۱۳۱)

سپس آنان را دستور داده که سخن را به طور معمول و مستقیم بگویند، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده دارد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، (نه این که کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنند، تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریه هم بشود). آن‌گاه به زنان پیامبر دستور می‌دهد در خانه‌هایشان بمانند و مانند زنان عصر جاهلیت قبل از اسلام در برابر مردم ظاهر نشوند!

و دستور بعدی این که آنان باید اوامر دینی را امتثال کنند و نماز بخوانند و زکات دهند! اگر از بین همه اوامر الهی نماز و زکات را ذکر کرد، برای این بود که این دو دستور رکن عبادات و معاملات است. بعد از ذکر این دو به طور جامع فرمود:

- و خدا و رسولش را اطاعت کنید!

(۱۳۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

اطاعت خدا به این است که وظایف شرعی او را امتثال کنند و اطاعت رسولش به این است که آن‌چه با ولایتی که دارد امر و نهی می‌کند، امتثال نمایند. چون امر و نهی او نیز از ناحیه خدا جعل شده است و خدا او را به حکم آیه «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۶ / احزاب) ولی مؤمنین کرده و فرمان او را فرمان خود خوانده است.

(در این قسمت اشاره به موضوع تطهیر اهل بیت شده که درباره آن جداگانه بحث شد.)

سپس خداوند متعال زنان پیامبر را دستور می‌دهد که شما آن‌چه را که در خانه‌هایتان از آیات الهی و حکمت تلاوت می‌شود، حفظ کنید و همواره در خاطرتان بوده باشد، تا از آن غافل ننمایید و از خط سیر و مشیی که خدا برایتان معین کرده، عدول و تجاوز

نکنید! (۱)

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۶۸.

محدودیت رفتارهای اجتماعی همسران پیامبر (۱۳۳)

### تعداد همسران رسول الله صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله با ۱۵ زن ازدواج کرد. با ۱۳ نفر از آنان در آمیخت چون از دنیا می‌رفت، ۹ نفر از آنان همسرش بودند. اما آن دو نفری که آن جناب با آنها آمیزش نکرد، یکی عمره بود و دیگری سنا. آن ۱۳ زنی که با ایشان پیامیخت:

- اول خدیجه علیهما السلام دختر خویلد بود،

- و بعد از او سوده دختر زمعه،

- و سپس با ام سلمه (که نامش هند و دختر ابی امیه بود)، ازدواج کرد،

- سپس با ام عبدالله عایشه دختر ابی بکر،

(۱۳۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

- و آن گاه با حفصه دختر عمر،

- و سپس با زینب دختر خزیمه بن حارث، ام المساکین،

- و بعد از او با زینب دختر جحش،

- و آن گاه با ام حبیب رمله دختر ابی سفیان،

- و بعد از او با میمونه دختر حارث،

- و سپس با زینب دختر عمیس،

- آن گاه با جویریة دختر حارث،

- و بعد از او با صفیه دختر حیی بن اخطب ازدواج کرد.

- و آن که خود را به رسول الله صلی الله علیه و آله بخشید خوله (دختر حکیم سلمی بود). و آن نه نفری که در هنگام رحلت آن جناب همسرش بودند، عبارتند از:

تعداد همسران رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۳۵)

عایشه، حفصه، ام سلمه، زینت دختر جحش، میمونه دختر حارث، ام حبیب دختر ابوسفیان، جویریة، سوده و صفیه

از همسران رسول الله صلی الله علیه و آله از همه فاضل تر:

حضرت خدیجه علیهما السلام و بعد از او ام سلمه و سپس میمونه بود.

(۱)

### دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله

از اعتراضاتی که شده جریان تعدد زنان پیامبر گرامی اسلام است. گفته‌اند: «تعدد زوجات ذاتا خود خالی از حرص و تسلیم شدن به قوه شهوت نیست. آن وقت پیامبر

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۸۵. بحث روایتی

(۱۳۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت



اسلام صلی الله علیه و آله به چهار زن که خداوند برای امتش قانونی کرده بود، راضی نشد و تا با نه زن ازدواج کرد؟» این مسئله با آیات قرآنی زیادی ارتباط دارد.

قصه تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله به این سادگی نیست که در علاقه زنان افراط کرد تا شماره زانش به نه رسید؟! انتخاب‌های پیامبر اکرم هر یک از آنان را در طول حیاتش روی روش خاصی بوده است:

- ازدواج با حضرت خدیجه کبری

رسول الله صلی الله علیه و آله ابتداء با حضرت خدیجه کبری علیهما السلام ازدواج فرمودند. مدت بیست و اندی سال (که تقریباً دو سوم عمر پس از ازدواج آن حضرت است)، تنها با او به سر

دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۳۷)

بردند و همسر دیگری اختیار نفرمودند!

۱۳ سال پس از نبوت آن حضرت و پیش از هجرتش از مکه بوده است. حضرت به مدینه هجرت فرمودند و به نشر دعوت و اعلاء کلمه دین شروع فرمودند و سپس زنانی را که بعضی دوشیزه و بعضی دیگر بیوه بودند، که از آنها هم برخی جوان و برخی پیر و کامل بودند، اختیار فرمودند. سپس ازدواج با زنان، به جز آنهایی که در حباله نکاحش بودند، بر او حرام شد.

روشن است که این کارها را با این خصوصیات نمی‌توان به صرف علاقه زنان و شهوت نزدیکی آنان تفسیر نمود که ابتدا و انتهای این روش با این مطلب ضدیت دارد!

علاوه این که، همان طور که مشاهده می‌کنیم، عادات چنین است که کسی که مفتون زنان و گرفتار و علاقمند آنهاست، حریص به خلوت و مجذوب زینت و

(۱۳۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

عاشق جمال و فتون غنچ و دلال و حریص جوانی و کم سنی و زیبایی آنهاست.

این خصوصیات هم با روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سازش ندارد. آن حضرت پس از ازدواج با دختر باکره با زن بیوه ازدواج کرده و پس از ازدواج با دختر جوان با زن پیر ازدواج کرده است. مثلاً ام سلمه را زنی سالمند بود و زینب دختر جحش را که آن وقت بیش از پنجاه سال داشت، پس از این که زنی جوان چون عایشه و ام حبیبه داشت، اختیار فرمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله زنان خود را میان بهره گرفتن از زینت‌های دنیا با رهائی نیکو، یعنی طلاق و بی میلی به دنیا و ترک تجمل و زینت در راه طلب خدا و رسول و سرای آخرت، مخیر فرمود، همان طور که قرآن در این باره در سوره احزاب آیه ۲۹ فرموده است:

- «ای پیامبر، به زنان بگو! اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهید بیایید

دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۳۹)

برخوردارتان کنم و شما را رهائی نیکو دهم! و اگر خدا و پیغمبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی آماده کرده است!»

به طوری که ملاحظه می‌فرمائید، این معنی با حال مردی که مفتون جمال زنان و دلداده وصال آنان است، نمی‌سازد.

بنابراین شخص بحث کننده عمیق اگر انصاف دهد راهی برای توجیه تعدد زنان آن حضرت در اول و سرانجام کار آن حضرت جز توجیه به عوامل دیگری غیر از عامل شهوت و حرص و ولع ندارد!

حضرت برخی از این زنان را برای کسب نیرو و زیاد کردن کمک و قبیله اختیار فرمود، بعضی را برای به دست آوردن دلها و حذر از شر عده‌ای و برخی را برای این که



(۱۴۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

قیام به امرشان نموده و معاش آنان را تأمین و مخارجشان را بدهد - تا یک سنت جاری میان مؤمنین شده و در حفظ بیوه‌ها و عجزها از بیچارگی و درماندگی بکوشند - و پاره‌ای را برای تثبیت و اجرای عملی حکم شرعی، تا با عمل آن حضرت سنت‌های پست و بدعت‌های باطلی که میان مردم رواج داشت، کوبیده شود، چنان‌که جریان تزویج آن حضرت زینب دختر جحش را که عیال زید بن حارثه بود و زید او را طلاق گفته بود، از این قبیل بود. این زید به طور پسرخواندگی، پسر پیامبر نامیده می‌شد و در نظر آنان زن پسرخوانده همچون زن صلبی بر پدر حرام بود، پیامبر صلی الله علیه و آله او را اختیار فرمود تا این عقیده را بکوبد. آیاتی از قرآن مجید هم در این باره نازل شد. (۳۷ / احزاب)

- ازدواج با سوده دختر زمه

دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۴۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از وفات حضرت خدیجه علیهما السلام نخستین بار «سوده» دختر زمه را که شوهرش پس از بازگشت از هجرت دوم به حبشه، فوت کرده بود، به زنی گرفت.

این سوده زنی با ایمان بود که در راه ایمانش از مکه هجرت کرده بود و اگر به اهل خود که در آن روز کافر بودند، بر می‌گشت، همانند عده‌ای دیگر از مردان و زنان با ایمان مورد فتنه‌گری آن‌ها واقع می‌شد و با زجر و قتل و اکراه با کفر مواجه می‌گشت!

- ازدواج با زینب دختر خزیمه

پیامبر صلی الله علیه و آله زینب دختر خزیمه را که شوهرش عبدالله بن جحش در جنگ احد کشته

(۱۴۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

شده بود، به زنی گرفت، زینب در دوران جاهلیت از جمله خانم‌های با فضیلت بود و به خاطر نیکی‌هایی که به فقرا و بیچارگان می‌نمود، او را «ام المساکین - مادر بیچارگان» می‌نامیدند. پیامبر برای حفظ آبروی او وی را به زنی گرفت.

- ازدواج با ام سلمه

آن حضرت، «ام سلمه» را که نامش «هند» بود و سابقاً عیال عبدالله ابوسلمه پسر عمه و برادر رضاعی آن حضرت و اولین هجرت کننده به حبشه بود، به زنی گرفت.

«ام سلمه» زنی با زهد و تدین و با فضیلت و عقیده بود، وقتی شوهرش از دنیا رفت او زنی سالمند بود و آن وقت با حضرت ازدواج کرد.

دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۴۳)

- ازدواج با صفیه دختر حی بن اخطب

آن حضرت «صفیه» دختر حی بن اخطب، رئیس قبیله «بنی نضیر» را که شوهرش در جریان جنگ خیبر و پدرش در جنگ بنی نضیر کشته شده بود و در میان اسیران خیبر بود، برای خود اختیار کرد و او را آزاد نمود و سپس تزویج کرد و با این کار او را از ذلت نجات داد و با بنی اسرائیل پیوندی پیدا نمود.

- ازدواج با جویره

آن حضرت، «جویره» را که نامش «بره» و دختر حارث، رئیس قبیله «بنی مصطلق»

(۱۴۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

بود، پس از جنگ بنی مصطلق تزویج نمود. مسلمانان، دوستان خانه از آن‌ها را با زن و بچه‌هایشان به اسیری گرفته بودند، وقتی

پیامبر جویره را تزویج کرد، مسلمانان گفتند که این‌ها خویشاوندان پیامبرند و شایسته نیست که اسیر باشند، لذا همه شان را آزاد کردند. بدین جهت قبیله بنی مصطلق ایمان آوردند و همه‌شان که جمعیتی زیاد بودند به مسلمانان پیوستند. این کار در سایر عرب‌ها هم اثر به سزائی داشت.

- ازدواج با میمونه دختر حارث

آن حضرت «میمونه» را که نامش «بره» و دختر حارث هلالی بود، تزویج کرد. «بره» همان است که پس از وفات شوهر دومش ابو رهم بن عبدالعزی، خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله دلایل تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۴۵) هدیه کرد. پیامبر او را آزاد نمود و سپس تزویج فرمود. قرآن هم درباره آن سخن گفت.

- ازدواج با ام حبیبه

آن حضرت، «ام حبیبه» را هم که نامش «رمله» و دختر ابوسفیان بود، به زنی گرفت.

ام حبیبه عیال «عبیدالله بن جحش» بود و با او در هجرت دوم به حبشه رفته بود. عبیدالله در آنجا دین مسیح را اختیار کرده بود، ولی ام حبیبه بر اسلام باقی مانده بود. پدرش ابوسفیان هم در آن روز لشکرها علیه اسلام تهیه می‌دید.

- ازدواج با حفصه دختر عمر

(۱۴۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

آن حضرت، «حفصه» دختر عمر را هم که شوهرش «خنیس بن خداقه» در جنگ بدر کشته شده و او بیوه مانده بود، تزویج فرمود.

- ازدواج با عایشه دختر ابوبکر

آن حضرت «عایشه» دختر ابوبکر را هم به زنی گرفت، (عایشه دختر باکره بود)

## روش و سفارش پیامبر درباره زنان

روش و سفارش پیامبر درباره زنان (۱۴۷)

دقت در خصوصیات فوق‌الذکر، با آن روش نیکوی رسول الله صلی الله علیه و آله در ابتداء و سرانجام کارش، و آن زهد و ترک زیور دنیا که داشت و زنان خود را به آن دعوت می‌نمود، دیگر جای هیچ شکی برای شخص محقق باقی نمی‌گذارد که ازدواج آن حضرت با این زنان همانند سایر مردم نبود!

روش زیبای آن حضرت را هم درباره زنان به این مطلب اضافه کنید. او حقوقی از زنان را که دوران جاهلیت و اعصار بربریت از بین برده بود و وزن آن‌ها را در اجتماع انسانی پائین آورده بود، زنده فرمود و بدان‌ها رسانید تا آنجا که نقل شده، آخرین کلامی که آن حضرت فرمود، سفارشی بود که به مردان فرموده و گفت:

«نماز! نماز! و برده‌هایتان! آن‌ها را بیش از مقدار طاقتشان تکلیف نکنید! خدا را! خدا را! در زنان! آن‌ها در دست شما نیمی از عمر خود را از دست می‌دهند...!»

(۱۴۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

روش آن حضرت صلی الله علیه و آله در عدالت میان زنانش و حسن معاشرت آنان و رعایت آن‌ها روشی مخصوص به خودش دارد.

حکم تجویز «تعدد زوجات بیش از چهارزن» مانند حکم روزه «وصال» از مختصات آن حضرت بود، که سایر افراد امت از آن ممنوع بودند.

این خصلت‌های نیکو، که بر مردم هم روشن و معلوم بود، جلو دشمنان آن حضرت را گرفته بود و با آن که در پی کوچک‌ترین فرصتی بودند که ایرادی بگیرند، راهی برای اعتراضشان باقی نگذاشته بود! (۱)

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۳۲۲. بحث تحلیلی  
روش و سفارش پیامبر درباره زنان (۱۴۹)

### اثبات اختیار کامل برای رسول الله صلی الله علیه و آله

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ!» (۳۶ تا ۴۰ / احزاب)

در آیات فوق‌الذکر موضوع ازدواج رسول الله صلی الله علیه و آله با همسر آزاد کرده خود زید مطرح شده، که آن جناب قبلاً زید را فرزند خود خوانده بود. آیات چنین شروع می‌شود:

«هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه را نمی‌رسد که وقتی خدا و رسولش امری را صادر فرمودند، باز هم در امر خود، خود را صاحب اختیار بدانند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند به ضلالتی آشکار گمراه شده است!»  
(۱۵۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

سیاق آیات فوق شهادت می‌دهد بر این که مراد به «قضاء» در این جا قضاء تشریعی و گذراندن قانون است نه قضای تکوینی، پس از مراد به قضاء خدا، حکم شرعی اوست، که در هر مسئله‌ای که مربوط به اعمال بندگان است مقرر داشته و بدان وسیله در شئون و امور آنان دخل و تصرف می‌کند. البته این احکام را به وسیله یکی از فرستادگان و پیامبران بیان می‌فرماید.

اما، قضاء رسول او، به معنای قضاء دومی از قضاء است و آن عبارت است از این که رسول او به خاطر ولایتی که خدا برایش قرار داده، در شأنی از شئون بندگان دخل و تصرف کند. در آیه زیر از این ولایت که خدا برای رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرار داده، خبر داده است:

«الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ!» (۶/ احزاب)

اثبات اختیار کامل برای رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۵۱)

به حکم آیه قبلی قضاء رسول الله صلی الله علیه و آله قضای خدا نیز می‌باشد، چون خدا قراردهنده ولایت برای رسول خویش است و اوست که امر رسول را در بندگان نافذ کرده است!

سیاق عبارت «... وقتی خدا و رسولش امری را صادر فرمودند...» از آن جایی که یک مسئله را هم مورد قضاء خدا دانسته و هم قضاء رسول خدا، شهادت می‌دهد بر این که مراد به قضاء، تصرف در شأنی از شئون مردم است، نه تنها حکم شرعی، که مختص به خدای تعالی است.

می‌دانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شخصه جاعل و قانونگذار قوانین دین نیست و این کار مختص به خدای تعالی است و رسول او تنها بیان کننده وحی اوست، پس معلوم شد که مراد به قضاء رسول، تصرف در شئون مردم است. و این آیه صراحتاً بیان می‌کند که:

«احدی از مؤمنین و مؤمنات حق ندارند در جایی که خدا و رسول او در کاری از

(۱۵۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

کارهای ایشان دخالت می‌کنند، خود ایشان باز خود را صاحب اختیار بدانند و فکر کنند که آخر کار مال ماست و منسوب به ما و امری از امور زندگی ماست، چرا اختیار نداشته باشیم؟ آن وقت چیزی را اختیار کنند که مخالف اختیار و حکم خدا و رسول او باشد، بلکه بر همه آنان واجب است پیرو خواست خدا و رسول او باشند و از خواست خود صرف نظر کنند.

این آیه شریفه هر چند عمومیت دارد و همه مواردی را که خدا و رسول حکمی برخلاف خواسته مردم دارند، شامل می‌شود، اما به خاطر این که در سیاق آیات بعدی قرار دارد که داستان ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله با همسر پسر خوانده‌اش «زید» را بیان می‌کند، می‌توان گفت که به منزله مقدمه برای بیان داستان مزبور است و می‌خواهد به کسانی که به آن جناب اعتراض و سرزنش می‌کردند. (که داستانش در روایات آمده است)،

اثبات اختیار کامل برای رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۵۳)

پاسخ دهد، که این مسئله ربطی به شما ندارد و شما نمی‌توانید در آن چه خدا و رسول حکم می‌کند، مداخله کنید! (۱)

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۹۳.

(۱۵۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### ازدواج پیامبر با مطلقه پسر خوانده خود

«فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا...» (۳۷ / احزاب)

زید بین حارثه قبلاً برده پیامبر بود و او را فرزند خود خواند. این انعامی بود که رسول الله صلی الله علیه و آله به وی کرد. انعام دیگرش این بود که دختر عمه خود زینب دختر جحش را همسر او کرد. زید بعد از مدتی آمد نزد رسول الله صلی الله علیه و آله تا مشورت کند که اگر صلاح بداند زینب را طلاق دهد. رسول الله صلی الله علیه و آله او را از این کار نهی کرد، ولی سرانجام زید همسرش را طلاق داد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد. آیه زیر بیان این موضوع تاریخی و شرعی است:

ازدواج پیامبر با مطلقه پسر خوانده خود (۱۵۵)

«به یاد آر! به آن کس که خدا به او نعمت داد و تو نیز به او احسان کردی و گفتی: - همسرت را بر خلاف میل نگه دار و از خدا بترس! (با این که تو از پیش می‌دانستی که سرانجام و بر حسب تقدیر الهی، او همسرش را طلاق می‌دهد و تو باید او را بگیری)، تو آن چه در دل داشتی، و می‌دانستی که خدا بالاخره آشکارش خواهد کرد، از ترس مردم پنهان کردی، و خدا سزاوارتر است به این که از او بترسی!

پس همین که زید بهره خود از آن زن بگرفت، و طلاقش داد، ما او را به همسری تو درآوردیم، تا دیگر مؤمنان نسبت به همسر پسر خوانده‌های خود، وقتی مطلقه می‌شوند، دچار زحمت نشوند، و آن را حرام نپندارند، و امر خدا سرانجام عملی می‌شود!

(۱۵۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

بر پیغمبر اسلام هیچ حرجی در خصوص عملی که خدا بر شخص او واجب کرده، نیست! این سنتی است از خدا! که در امت‌های پیشین نیز جاری بوده است، و امر خدا سنجیده و حساب شده است! کسانی که رسالت‌های خدا را ابلاغ می‌کنند، از او می‌ترسند، و از احدی غیر خدا نمی‌ترسند، و خدا برای حساب کشیدن کافی است! محمد، پدر احدی از مردان فعلی شما نیست، بلکه او فرستاده خدا و خاتم پیامبران است، و خدا بر هر چیزی داناست!

خدای تعالی بر پیامبر گرامی خود واجب کرده بود که باید با همسر زید پسر خوانده‌اش ازدواج کند، تا بدین وسیله همه بفهمند که همسر پسر خوانده محرم انسان نیست! و سایر مسلمانان نیز بتوانند با همسر مطلقه پسر خوانده‌شان ازدواج کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله این معنا را در دل پنهان می‌داشت، چون از اثر سوء آن در مردم

ازدواج پیامبر با مطلقه پسر خوانده خود (۱۵۷)

می‌ترسید. خدای تعالی با این عتاب او را امنیت داد و آن جناب را نصرت و تأیید فرمود، تا جبران طعن طاعنان بیمار دل را بکند.

دلیل این امر در خود آیه است که می‌فرماید:

«همین که زید از همسرش صرف نظر کرد، ما او را به ازدواج تو درآوردیم.»

از این تعبیر به خوبی پیداست که گوئی ازدواج با زینب از اراده و اختیار رسول الله صلی الله علیه و آله خارج بوده، و خدا این کار را کرده است. بار دیگر این مطلب را در پایان آیه تأیید می‌فرماید و می‌گوید:

«وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا - کارهای خدا انجام شدنی است!» (۳۷ / احزاب)

که داستان ازدواج را کار خدا دانسته است.

نکته جالب این که، تمامی آیه نشان می‌دهد آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در دل پنهان می‌داشته، همین حکم به ازدواج با زینب بوده، تا قانونی شود که ازدواج با همسر مطلقه

(۱۵۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

پسر خوانده‌ها جایز شود، و این عمل قبلاً برای آن جناب واجب شده بود، نه این که رسول خدا صلی الله علیه و آله خدای نکرده عاشق زینب شده باشد و عشق خود را پنهان کرده باشد، بلکه وجوب این عمل را پنهان می‌کرده است، به طوری که برخی مفسرین گفته‌اند!!

برخی از مفسرین معلوم نیست چگونه چنین جرأتی را به خود داده‌اند و مطلب چنین مهمی را که قانون الهی بوده، به عشق و عاشقی پیامبر نسبت داده و در اثر این اشتباه به حیص و بیص افتاده‌اند، و در مقام توجیه عشق رسول الله صلی الله علیه و آله برآمده‌اند، که: «البتة او هم بشر بوده و عشق یک حالت جبلی است... و از این چرندیات!!» غافل از این که اولاً با این توجیه نیروی تربیت الهی را از نیروی جبلت و طبیعت بشری کمتر دانسته‌اند، ثانیاً، در چنین فرضی دیگر معنی ندارد که خدا آن جناب را عتاب کند، که چرا عشق خود را پنهان داشتی؟ چون معنایش این می‌شود که باید عشق خود را نسبت به زن مردم اظهار می‌کرد، و چرا نکردی؟! ازدواج پیامبر با مطلقه پسر خوانده خود (۱۵۹)

رسوایی این حرف از آفتاب روشن تر است، چون از یک فرد عادی پسندیده نیست که دنبال ناموس مردم حرفی بزند و به یاد آنان باشد و برای به چنگ آوردن آنان تشبث کند، تا چه رسد به خاتم پیامبران خدا صلی الله علیه و آله! خداوند متعال در آیه بعدی بیان می‌فرماید:

- «محمد، پدر احدی از این مردان (که همان مردان شما باشند)، نیست، تا آن که ازدواجش با همسر یکی از آنان، بعد از جدائی، ازدواج با همسر فرزندش باشد، و زید بن حارثه هم یکی از همین مردان شماست. پس ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله با همسر او، پس از آن که همسر خود را طلاق داد، ازدواج با همسر پسرش نمی‌باشد.

- اما این که پیامبر وی را پسر خود خواند، صرف خواندن بوده، و هیچ اثری از آثار پدر و فرزند، بر آن مترتب نمی‌شود، چون خدا پسر خوانده‌های شما را

(۱۶۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

فرزند شما نمی‌داند! - ولکن رسول الله صلی الله علیه و آله و خاتم نبیین: بلکه او فرستاده خدا و خاتم پیامبران است...! (۴۰ / احزاب)

در این آیه اشاره به این حقیقت است که ارتباط و بستگی آن جناب با شما مردم، ارتباط رسالت و نبوت است، و آنچه او می‌کند به امر خدای سبحان است!

### رعایت حریم پیامبر و همسران او

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا...» (۵۴ تا ۵۵ / احزاب)

قرآن مجید نشان می‌دهد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شرم رو بود، و وقتی مردم برای خوردن طعام به خانه آن حضرت می‌آمدند، به موقع بلند نمی‌شدند تا بروند، آن

رعایت حریم پیامبر و همسران او (۱۶۱)

حضرت خجالت می‌کشید به آن‌ها تذکر بدهد، لذا خداوند متعال که از بیان حق شرم نمی‌کند، به کمک او آمده، و چنین دستور می‌دهد:

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر در نیائید، مگر آن که شما را به طعامی دعوت کند، به شرطی که به انتظار طعام زودتر نروید، بلکه وقتی شما را خواندند، داخل شوید، و چون طعام خوردید متفرق شوید، و آن‌جا را محفل انس و گفتگو مکنید، که این امر پیامبر را ناراحت می‌کند، ولی او از شما خجالت می‌کشد، ولی خدا از بیان حق خجالت نمی‌کشد...!»

### سؤال از پشت پرده و حجاب

(۱۶۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

متعاقب دستور فوق، خدای تعالی دو دستور مشهور به دستور حجاب و رفتار با زنان رسول الله صلی الله علیه و آله را صادر می‌فرماید:

«چون از همسران پیامبر چیزی می‌پرسید، از پشت پرده بپرسید! این برای طهارت دل شما و دل آنان بهتر است، و شما حق ندارید رسول خدا را اذیت کنید!» (۵۳/ احزاب)

### منع ابدی ازدواج با همسران پیامبر

«شما حق ندارید بعد از وفات پیامبر با همسران او ازدواج کنید! این کار تا ابد ممنوع است! چون نزد خدا کاری عظیم است، چه آن را اظهار کنید، و چه پنهان دارید، خدا به هر چیز داناست!» (۵۳ / احزاب)

### محارم همسران رسول الله صلی الله علیه و آله

محارم همسران رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۶۳)

«هیچ حرجی بر همسران در خصوص نامبردگان زیر نیست، یعنی لازم نیست خود را در برابر آن‌ها بپوشانند: پدران، فرزندان، برادران، برادرزادگان، پسران، خواهران، و زنان آن‌ها و کنیزانی که دارند، و باید که از خدا بترسند! که خدا همواره بر هر چیزی شاهد و ناظر است!» (۵۵ / احزاب)

### دستور پوشش حجاب همسران پیامبر و زنان مؤمنین

«هان ای پیامبر! به همسران، دختران، و زنان مؤمنین بگو: - چادرهای خود به خود فروپيچند! این نزدیک‌تر است به این که آن‌ها را بشناسند و آزار دهند!» (۵۹/ احزاب)

(۱۶۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

(بدین وسیله بهتر معلوم می‌شود که زن مسلمان هستند و در نتیجه اذیت نمی‌بینند.)

در مورد زنان پیامبر در آیه شریفه استثنائی هست از عمومیت حکم حجاب، و می‌فرماید:

- این که گفتیم مسلمان‌ها باید از پس حجاب با ایشان گفتگو کنند، شامل پدران و فرزندان و برادران و برادرزادگان و

خواهرزادگان، و خلاصه محرم‌های ایشان نمی‌شود. نامبردگان می‌توانند بدون حجاب با آنان گفتگو کنند. و نیز زنان قوم و خویش ایشان را نیز استثنا کرده و فرموده: «و زنان ایشان»، اشاره دارد به این که مراد به زنان ایشان تنها آن زنان از فامیل ایشان است که ایمان داشته باشند، نه کفار! و البته از کسانی که استثنا شده‌اند کنیزان خود ایشان است.

### حجاب چیست و چگونه باید پوشید؟

حجاب چیست و چگونه باید پوشید؟ (۱۶۵)

در آیه ذکر کلمه «جَلَابِيب» به معنای حجاب به کار رفته است. کلمه جَلَابِيب جمع جَلَبَاب است و آن جامه‌ای است سرتاسری و تمام بدن را می‌پوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود. منظور از عبارت قرآنی که می‌فرماید: «پیش بکشند مقداری از جَلَبَاب خود را!!» (احزاب / ۵۹) این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد. دلیل این امر را چنین فرموده:

- پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به این که اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند، نزدیک‌تر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند.

(۱۶۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### حجره‌های رسول الله صلی الله علیه و آله

از داود بن قیس (در کتاب الادب بخاری) روایت شده که گفت: «من حجره‌های همسران رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدم که از شاخه‌های بی‌برگ درخت خرما ساخته شده بود، و از پشت آن را با پلاس موئی پوشانده بودند، و به گمانم عرض و فاصله بین درب خانه تا درب حجره، چادری حدود شش یا هفت ذراع بود. (ذراع به معنای فاصله بین آرنج و نوک انگشت وسطی است، که برخی از اهل لغت آن را بین پنجاه تا هفتاد سانتی‌متر تخمین زده‌اند، و در نتیجه اگر حد متوسط ذراع را شصت سانتی‌متر بگیریم، هفت ذراع حدود چهارمتر و بیست سانتی‌متر خواهد بود.) و آخرین نقطه خانه که با اصطلاح فارسی پستوی خانه

حجره‌های رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۶۷)

گفته می‌شود، ده ذراع بود و من به گمانم بلندی سقف این حجره‌ها بین هفت تا هشت ذراع بوده است.»

نظیر صدر این روایت را در منشور از ابن عطاء خراسانی روایت کرده که گفت: «من حجره‌های همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که از شاخه‌های بی‌برگ درخت خرما ساخته شده بود و بر درب خانه‌ها پلاسی از موی سایه افتاده بود.»

(۱۶۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

### دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ...؟» (۱ تا ۹ / تحریم)

سوره تحریم با داستانی که بین رسول الله صلی الله علیه و آله و بعضی از همسران او اتفاق افتاده بود، آغاز شده است، و آن این بود که آن جناب به خاطر حادثه‌ای که شرحش می‌آید، پاره‌ای از حلال‌ها را بر خود حرام کرده بود، و بدین سبب در این آیات خدای تعالی آن جناب را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا به خاطر رضایت بعضی از همسرانت، حلال خدا را بر خود حرام کردی؟!

دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۶۹)



و در حقیقت و به طوری که از سیاق آیه برمی آید عتاب متوجه همسر است، و می خواهد رسول گرامی خود را علیه همسر یاری کند. بعد از نقل این داستان، مؤمنین را خطاب می کند به این که جان خود را از عذاب آتشی که آتشگیرانه آن انسان و سنگ است، نگه بدارند، و بدانند که به جز اعمال خود آنان به ایشان جزائی نمی دهند، و جزای آن‌ها خود اعمال آن‌هاست! و معلوم است که هیچ کس نمی تواند از عمل خود بگریزد، پس هیچ کس از این جزا خلاصی ندارد، مگر پیغمبر و آن‌هایی که به وی ایمان آورده‌اند. موضوع آیه با خطابی آمیخته به عتاب شروع می شود، که چرا آن جناب پاره‌ای از حلال‌های خدا را بر خود حرام کرده است، ولی تصریح نکرده که آن چه حرام کرده، چیست، و قضیه چه بوده است؟

(۱۷۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

چیزی که هست، جمله «آیا خشنودی همسرانت را می خواهی؟» اشاره دارد بر این که آن چه آن جناب بر خود حرام کرده است، عملی از اعمال حلال بوده است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را انجام می داده است، و بعضی از همسرانش از آن عمل ناراضی بوده‌اند، و آن جناب را در مضیقه قرار می دادند و اذیت می کرده‌اند تا آن جناب ناگزیر شده سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد!

پس اگر در جمله «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ!» خطاب را متوجه آن جناب، بدان جهت که نبی است، کرده، و نه بدان جهت که رسول است، دلالت دارد که مسئله مورد عتاب مسئله شخصی آن جناب بوده است، نه مسئله‌ای که جزو رسالت‌های او برای مردم باشد، و معلوم است که وقتی صحیح و مناسب بود بفرماید: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» که مسئله مورد بحث مربوط به یکی از رسالت‌های آن جناب باشد. دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۷۱)

مراد به تحریم، تحریمی از طرف خدا نبوده، بلکه تحریم به وسیله نذر یا سوگند بوده است، که آیه بعدی هم بر همین معنا دلالت دارد، چون در آن جا سخن از سوگند گفته و فرموده است: «خداوند راه چاره شکستن سوگند را برای شما بیان کرد...» (۲ / تحریم) معلوم می شود آن حضرت با سوگند آن حلال را بر خود حرام کرده است، چون خاصیت سوگند همین است که وقتی به عملی متعلق شود آن را واجب می کند، و چون به ترک عملی متعلق شود، آن عمل را حرام می سازد، پس معلوم می شود آن جناب سوگند به ترک آن عمل خورده است و آن عمل را بر خود حرام کرده است، اما حرام به وسیله سوگند! آری منظور از تحریم، چنین تحریمی است، نه این که حرمت آن عمل را برای شخص خود تشریح کرده باشد، چون پیامبر نمی تواند چیزی را که خدا حلالش کرده بر

(۱۷۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

خود و یا بر همه تحریم کند، و چنین اختیاری را ندارد! آیه چنین ادامه می یابد:

«زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله سری از اسرار خود را نزد بعضی از همسرانش (حفصه دختر عمر) افشاء کرد، و به وی سفارش فرمود که این مطلب را به کسی نگوید، همین که حفصه آن سر را برخلاف دستور آن جناب به دیگری گفت، و قسمتی از سر آن جناب را فاش نمود، و از فاش کردن بقیه آن سر خودداری کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله جریان را به عنوان اعتراض به خود او خبر داد، یعنی خبر داد که تو سر مرا فاش کردی! آن زن پرسید: چه کسی به تو خبر داد که من این کار را کرده‌ام و سر تو را فاش ساخته‌ام؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

- خدای علیم و خبیر به من خبر داد! او خدائی است که عالم به سر و آشکار، و با خبر از سرایر و اسرار است!» (۳/تحریم)

دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۷۳)

آیه بعدی مسئله را روشن تر می سازد و نشان می دهد که دست دو تا از زنان آن حضرت در کار بوده است، و می فرماید: «اگر شما دو زن به سوی خدا برگردید، وسیله برگشتن خدا به سوی خود را فراهم کرده‌اید، ولی اگر علیه پیامبر خدا دست به



دست هم دهید، بدانید که خداوند مولای او، و جبرئیل و صالح مؤمنین و ملائکه هم بعد از خدا پشتیبان اویند!» (۴/تحریم)  
 تمامی روایات اتفاق دارند که منظور از آن دو زن، حفصه و عایشه دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند. از عبارت آیه برمی آید که این دو زن رسول الله صلی الله علیه و آله را آزرده و علیه او دست یکی شدند. دست یکی شدن علیه آن جناب از گناهان کبیره است!

در آیات سوره احزاب و توبه، خدای تعالی این مطلب را روشن کرده و می فرماید:

- «کسانی که خدا و رسول را آزار می دهند، خدا در دنیا و آخرت لعن شان کرده، و برایشان

(۱۷۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

عذابی خوار کننده مهیا کرده است!» (۵۷ / احزاب) همچنین فرموده:

- «و کسانی که رسول خدا را آزار می دهند، عذابی دردناک دارند!» (۶۱ / توبه)

خداوند سبحان برای نشان دادن عنایت خاص خود به رسول گرامی اش پشتیبانی خود را از او علام می دارد، و می فرماید که بدون هیچ واسطه‌ای از مخلوقاتش، خود او رسولش را یاری می کند، و متولی امور او می شود:

- «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلِيَهُ - خدا ولی و سرپرستی است که عهده دار اوست، و او را در هر خطری که تهدیدش کند یاری می نماید!» (۴ /

تحریم)

در آیه شریفه در اظهار و پیروز ساختن رسول الله صلی الله علیه و آله بر دشمنان و تشدید عتاب آن هائی که علیه او پشت به پشت هم داده‌اند، لحن عجیبی به کار رفته است: اولاً، در شروع داستان خطاب را متوجه رسول الله صلی الله علیه و آله نمود و او را به خاطر

دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۷۵)

این که حلال خدا را بر خود حرام کرده عتاب نمود، و بعد، دستور داد سوگندش را بشکند. این لحن، در حقیقت تأیید و نصرت آن جناب می باشد، به صورت عتاب!

در آیه بعدی خطاب را به مؤمنین برگردانیده و قصه را برای مؤمنین نقل فرمود، و در نقل قصه نامی از آن دو همسر نبرد، و مطلب را مبهم ذکر کرد، و این نام نبرد، و نیز تأییدی که قبل از نقل قصه از رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده بود، و همچنین اصل پرده برداری از این ماجرا، و هم نقل آن به طور سربسته، همه و همه نوعی تأیید بیشتر از آن جناب به شمار می رود.

سپس، خطاب را از مؤمنین برگردانیده، و متوجه آن دو زن کرد، و به آن دو فرمود که دلهایتان در اثر عملی که کردید، منحرف شده است، و به جای این که به آن دو دستور دهد توبه کنند، خاطر نشان ساخت که شما دو نفر بین دو امر قرار گرفته‌اید،

(۱۷۶) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

یا این که از گناه خود توبه کنید، و یا علیه کسی که خدا مولای اوست، و جبرئیل و صالح مؤمنین و ملائکه پشتیبان اویند، به اتفاق یکدیگر توطئه کنید، و آن گاه اظهار امید کرده، که اگر پیامبر طلاقشان دهد خدای تعالی زنان بهتری نصیب آن جناب می فرماید!

خدای متعال در مقابل توطئه آن‌ها حمایت خود را از رسولش بیان فرمود و اضافه کرد که جبرئیل و صالح مؤمنین و ملائکه نیز پشتیبان اویند. در روایات وارده از اهل سنت و شیعه آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

- منظور از صالح مؤمنین تنها علی علیه السلام است!

### ارزش همسری رسول الله صلی الله علیه و آله

ارزش همسری رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۷۷)

خدای تعالی در آیه بعدی می فرماید:

- «اگر پیامبر شمارا طلاق دهد، خدا بهتر از شمارا به ازدواج او درمی آورد!» (۵/تحریم)

در این آیه بی‌نیازی خدا را از آن دو زن خاطر نشان ساخته و می‌فرماید: هر چند شما به شرف زوجیت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شده‌اید، لکن کرامت نزد خدا به این حرف‌ها نیست بلکه تنها به تقوی است و بس! در جای دیگر قرآن می‌فرماید: - «خدای تعالی اگر برای شما زنان پیامبر اجر عظیم مهیا ساخته، برای این نیست که همسر اوئید، بلکه برای این است که نیکوکارید!

- پس اگر هر یک از شما نیکوکار نباشد، نزد خدا پاداشی ندارد!» (۲۹ / احزاب)

می‌فرماید: اجر عظیم مخصوص بعضی از شما همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و آن بعضی همان نیکوکاران است، و معلوم می‌شود همسران آن جناب همه نیکوکار

(۱۷۸) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

نبوده‌اند. از آیات سوره احزاب نیز برمی‌آید که همسران رسول الله صلی الله علیه و آله از نظر هدایت و ضلالت و خوبی و بدی دو جور بودند، و همه یکسان نبودند:

- «ای زنان پیامبر! هر یک از شما عملی کند که زشتی‌اش واضح است، عذابش دو چندان خواهد بود! و این بر خدا آسان است! و هر یک از شما تسلیم خدا و رسولش باشد، و عملی صالح انجام دهد، او نیز اجرش را دوبار می‌دهند، و ما برای او رزقی کریم آماده کرده‌ایم!» (۳۰ و ۳۱ / احزاب)

به همین جهت بود که در آیه مورد نظر، به دنبال اظهار بی‌نیازی خدا، اظهار امید کرد که اگر آن جناب طلاقشان دهد، خدای تعالی همسرانی بهتر از آنان به او روزی می‌کند، زنانی که مسلمان و مؤمن و عابد و توبه‌کار و قانت و روزه‌گیر باشند، زنان بیوه یا دوشیزگان باکره!

ارزش همسری رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۷۹)

پس هر زنی که با رسول الله صلی الله علیه و آله ازدواج می‌کرد، و متصف به مجموع این صفات بوده، بهتر از آن دو زن بوده است، و این بهتری نبود مگر به خاطر این که دارای قنوت و توبه بودند، و یا دارای قنوت به تنهایی بوده، و در سایر صفات با سایر زنان اشتراک داشتند. قنوت، یعنی ملازمت به اطاعت و خضوع.

در سوره مریم فرمود: «مریم از قانتین بود!» (۱۲ / مریم)

پس قنوت همان چیزی است که بعضی از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله فاقد آن بودند، و آن عبارت بود از اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله که اطاعت خدا هم در آن است، و آن دو زن نداشتند. و نیز تقوی از نافرمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و پرهیز از آزار او، که باز فاقد آن بودند. در روایات اسلامی، مطالبی متعدد در این زمینه آورده‌اند.

قمی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که - «عایشه و حفصه روزی که

(۱۸۰) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ماریه قبطی بود، بگوش نشستند، و بعدا به آن جناب اعتراض کردند که چرا به خانه ماریه رفتی؟ حضرت سوگند خورد که والله دیگر نزدیک او نمی‌شوم!

خدای تعالی در این آیه آن جناب را عتاب کرد که چرا حلال خدا را بر خود حرام کردی، کفارہ قسم را بده، و هم‌چنان به همسرت سر بزنی!»

### همسران خائن در بیت رسولان

«خدا برای کسانی که کافر شدند مثلی زده، و آن همسر نوح و همسر لوط است، که در تحت زناشوئی دونفر از بندگان صالح ما

بودند، و این دو زن به آن دو بنده صالح خیابت کردند، و همسری‌شان با پیامبران هیچ سودی برایشان نکرد، و از عذاب

همسران خائن در بیت رسولان (۱۸۱)

الهی جلوگیرشان نشد، و به ایشان گفته شد: داخل شوید در آتش! همان‌گونه که بیگانگان با انبیا داخل می‌شوند! (۱۰/تحریم)

خدای متعال در سوره تحریم بعد از نقل توطئه دو تن از زنان پیامبر اسلام و دست یکی شدن آن‌ها برای آزار رسول الله صلی الله علیه و آله اشاره‌ای به حال دو تن از زنان تاریخ کرده است که هر دو همسر دو پیامبر بزرگوار بودند، دو پیامبری که خدای تعالی عبد صالحشان نامیده است، ولی با این حال این دو زن به آن دو بزرگوار خیانت کردند و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ شوند!

پس این دو زن که همسر و هم بستر با دو پیامبر بزرگوار بودند همسری آنان سودی به حالشان نبخشید و بدون کسب کمترین امتیازی در زمره هالکان به هلاکت رسیدند.

(۱۸۲) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

در این تمثیل، تعریض سختی به دو همسر رسول الله صلی الله علیه و آله شده که آن دو نیز به آن حضرت خیانت کردند و سر او را فاش ساختند، و علیه او دست به دست هم دادند و اذیتش کردند، و مخصوصاً وقتی می‌بینیم سخن از کفر و خیانت و فرمان (داخل دوزخ شوید!) دارد، می‌فهمیم که این تعریض تا چه حد شدید است!

### داستان افک و تهمت به همسر پیامبر

«إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ...» (۱۱ و ۱۲ / نور)

«آنان که بهتان به شما مسلمین بستند، می‌پندارند که ضرری به آبروی شما

داستان افک و تهمت به همسر پیامبر (۱۸۳)

می‌رسد، بلکه خیر و ثواب نیز خواهید یافت، و هر یک از آن‌ها به عقاب اعمال خود خواهند رسید! و آن کس از منافقان که رأس و منشأ این بهتان بزرگ گشت، همو به عذابی سخت معذب خواهد شد! آیا سزاوار این نبود که شما مؤمنان زن و مردتان، چون از منافقان چنین بهتان و دروغی شنیدید، حسن ظن‌تان درباره یکدیگر بیشتر شده، و گوئید: این دروغی است آشکار...!»

یکی از اتفاقاتی را که قرآن مجید از زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله ثبت و نقل کرده، و درباره آن به افشاگری توطئه‌منافقین در لکه‌دارساختن نزاهت و قداست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرداخته، «داستان افک» است. اهل سنت آن را راجع به عایشه دانسته‌اند، ولی شیعه آن را درباره ماریه قبطی، مادر ابراهیم، دانسته است. «ماریه» همان همسری است که مقوقش پادشاه مصر او را به عنوان هدیه برای رسول الله صلی الله علیه و آله فرستاد. هر دو حدیث،

(۱۸۴) جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت نبوت

چه آن‌که از سنی‌هاست و چه آن‌که از شیعه رسیده، خالی از اشکال نیست!

ولی این نکته مسلم است که افک مورد بحث مربوط به یکی از خانواده‌های رسول الله صلی الله علیه و آله بوده، حال همسرش یا کنیز مادر فرزندش، که شاید همین نکته هم به‌طور اشاره از جمله «وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» - این کار را سهل و کوچک می‌پندارند در حالی که نزد خدا بسیار عظیم است! (۱۵ / نور) استفاده شود. و همچنین از آیات این داستان که می‌رساند مطلب در میان مسلمانان شهرت یافت و سر و صدا به راه انداخت، و اشارات دیگری که در آیه هست، این معنا فهمیده می‌شود. و از آیات برمی‌آید که بعضی از خانواده رسول الله صلی الله علیه و آله را نسبت فحشاء دادند، و نسبت دهندگان چند نفر بودند، و داستان را میان

مردم منتشر کردند، و دست به دست گرداندند.

و نیز به دست می‌آید که بعضی از منافقین یا بیماردلان در اشاعه این داستان کمک داستان افک و تهمت به همسر پیامبر (۱۸۵)

کرده‌اند، چون به طور کلی اشاعه فحشاء در میان مؤمنین را دوست می‌داشتند، و لذا خدا این آیات را نازل فرموده و از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دفاع فرموده است!

می‌فرماید: کسانی که این دروغ را تراشیدند، جماعت معدودی از شما هستند، که با هم تباری و ارتباط دارند.

این تعبیر خود اشاره است به این که در این تهمت توطئه‌ای در کار بوده است، که این دروغ را بتراشند و آن را اشاعه دهند تا قداست و نزاهت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را لکه‌دار سازند، و او را در میان مردم رسوا کنند. خداوند مسلمانان را هشدار می‌دهد و از عاقبت سوء این امر آگاه می‌سازد، و می‌فرماید:

- «چرا شما بدون این که درباره آن چه شنیده‌اید، تحقیقی کنید و علمی به دست آورید آن را پذیرفتید؟ و در آن خوض کرده و دهان به دهان گردانید و منتشر ساختید؟ شما

(۱۸۶) جانشین رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت نبوت

این رفتار خود را کار ساده پنداشتید، در حالی که نزد خدا کار بس عظیمی است، چون بهتان و افتراست!» (۱۵ / نور)

این کار علاوه بر این که بهتان به پیغمبر خداست، شیوع افک درباره آن جناب در میان مردم باعث می‌شود که آن حضرت در جامعه رسوا گشته و امر دعوت دینی‌اش تباه گردد!

داستان افک و تهمت به همسر پیامبر (۱۸۷)

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

